۶



بسم الله الرحمن الرحیم

جلوه وصال

نویسنده:

یعقوب علی برجی

ناشر چاپی:

آستان قدس رضوی

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

جلوه وصال

مشخصات کتاب

سرشناسنامه: علی برجی، یعقوب، ۱۳۲۰ -

عنوان و نام پدیدآور: جلوه وصال / یعقوب علی برجی؛ تهیه و تدوین اداره امور فرهنگی آستان قدس رضوی.

مشخصات نشر: مشهد: قدس رضوی، ۱۳۸۷.

مشخصات ظاهری: ۸۰ ص؛=۱۷ * ۱۲ س م.

شابک: ۷-۵۴-۲۷۸۴-۹۶۴-۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

موضوع: علی بن موسی (ع)، امام هشتم: ۲۱۵۳-۲۰۳ ق . نظریه درباره نماز.

شناسه افزوده: آستان قدس رضوی اداره امور فرهنگی .

رده بندی کنگره - ۱۳۸۷ ۸ج۳۶ب/BP۳۵/۴۷

رده بندی دیویی = ۹۵۷/۲۹۷

شماره کتابخانه ملی: ۱۲۲۰۰۲۸

ص: ۱

اشاره

جلوه وصال

نماز در سیره و کلام امام رضا (علیه السلام)

یعقوب علی برجی

جلوه وصال

نویسنده: یعقوب علی برجی

تهیه و تدوین: اداره امور فرهنگی آستان قدس رضوی

طراح گرافیک: رضا باباجانی

صفحه آرایی: محمود بازدار

نوبت چاپ: هفتم - ۱۳۹۱

شمارگان: ۲۰۰۰

ناشر: انتشارات قدس رضوی

شابک: ۷-۵۴-۲۷۸۴-۹۶۴-۹۷۸

چاپ: مؤسسه فرهنگی قدس

نشانی تهیه کننده: مشهد، حرم مطهر، صحن جامع رضوی ضلع غربی اداره امور فرهنگی تلفن ۲۰۰۲۵۶۷-۰۵۱۱ صندوق پستی: ۳۵۱-۹۱۷۳۵

مقدمه

اهـل بیـت (علیهم السـلام) گنجـوران دانش انـد. رودهـا و جویبارهـای دانش که مزرعه ی جـان آنـان را در چهـارده قرن اخیر سیراب و شـاداب سـاخته است، از بلنـدای قـامت آسـمانی این کوه نور، سرچشـمه می گیرد. امـام عالمـان و عارفـان علی (علیه السـلام) فرمود: «ینحـدر عنی السـیل و لاـ یرقی الی الطیر» آبـادانی و شـادابی دیـارعلم و آگاهی از تلألو فروزنـده ی دانش این خاندان است که پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله فرمود: «انا مدینه العلم و علی بابها»،

دانش اهـل بیت (علیهم السـلام) از جنس دریـافتنی است نه آموختنی، علم حضوری است نه حصولی و این از آن جهت اسـت که آنان حقیقت علم را با جان آسمانی خویش دریافته اند. حضرت علی (علیه السلام) در وصف عارفان (که خود آن حضرت مولای آنان است) فرمود: «هجم بهم العلم علی حقیقه البصیره و با شروا روح الیقین ».

پیامبر اعظم (صـلی الله علیه و آله و سـلم) سرسلسـله ی این خانـدان نور و روشـنایی، هر چنـد که خود درس ناخوانده و مکتب نرفته برد، اما پیام و رسالت او، تلاوت و خوانـدن، آموختن و فرا گرفتن و علم و آگاهی بود. رسالت او با «اقراء» آغاز شـد و با دانش و بینش که جان های شـیفته را سـرشار می کرد، تـداوم یافت. «هو الـذی بعث فی الامیین رسولا منهم یتلوا علیهم آیاته و یزکیهم و یعلمهم الکتاب و الحکمه».

او بارسـالت خویش، جـان های مرده را از مرداب روزمرگی و ضـلالت ها تا باغسـتان بهشتی حیات و زنـدگی، رهنمون شـد و انسان اسیر در کژراهه ها و پرت گاه های تباهی را به شاهراه

هـدایت و صـراط مسـتقیم فراخوانـد و در تن مرده ی آدمیت روحی دوباره دمیـد: «اذا دعا کم لما یحییکم» و بار گران جهل و نادانی را از دوش آنان فرو نهاد «لایضع عنهم اصرهم و الاغلال التی کانت علیهم».

و خاندان آن حضـرت نیز که از چشـمه ی حیات او سیراب بودند، همانند آن بزرگ، خورشید دانش و آگاهی را در گذرگاه اعصار فرا راه جویندگان دانش و بصیرت، تابان و فروزان نگه داشتند و با بهره مندی از انوار الهی او، مسیر پویندگان را روشن و جان جویندگان را تابناک و سرشار ساختند.

و امروز در عصـر جـاهلیت مـدرن نیز، آنچه غبار راه انسان کمال جوی را فرو می نشانـد و راه او را می توانـد روشن کنـد بهره گیری و بـازگشت به سرچشـمه ی همـان دانش و بصـیرتی است که پیـامبر اعظم و خانـدان پاک و مطهر او (علیهم السـلام) به انسان هـدیه کردنـد و شایـد امروز بیش از هر روز و روزگاری، انسان به آنچه پیامبر رحمت و آگاهی برای بشـریت به ارمغان آورده نیازمند و محتاج باشد.

بی تردید کاوش در سرچشمه های نور اهل بیت (علیهم السلام) و بازخوانی سیره و آموزه های آن بزرگواران در روزگار ما - مانند همه ی روزگاران - خدمتی بزرگ به انسانیت است خدمتی که فراتر از آن خدمتی متصور نیست و از این روی بر تمامی کسـانی که دل آنـان برای انسـان می تپـد فرض است که بـا ژرف اندیشـی و ژرف کاوی در معارف اهل بیت (علیهم السـلام) گوهرهـای نـاب و آموزه های رهایی بخش این گنجینه های عظیم و الهی را اسـتخراج کننـد و به بشـر تشـنه و جگر سوخته ی عصر حاضر ارائه نمایند. بر حسب وظیفه در جوار بارگاه عالم آل محمد (علیه السلام) برای

تمـامی رهروان این راه و تمـامی کسـانی که در مسـیر احیـای امر اهـل بیت (علیهم السـلام) و تعلیم و تعلم معـارف و علوم این خانـدان مطهر تلاـش و کوشـش می کننـد به ویژه اساتیـد بزرگوار و گرانمایه ای که در تألیف و تنظیم این مجموعه ارزشـمند نقش داشته اند طلب سلامتی و بهروزی می کنیم و توفیق آنان را از درگاه حی علیم خواستاریم.

از زایران عزیز نیز می خـواهیم نعمت بی نظیر زیـارت پـاره ی تن رسـول الله (صـلی الله علیه و آله و سـلم) را بـا بهره گیری از انـدیشه، کلاـم و سـیره ی آن امـام همـام به فرصتی برای تـامین نیازهـای معنوی و فکری خود تبـدیل نماینـد و بـا مطـالعه آثار ارزشـمندیماننـد این مجموعه، توشه هـای سـعادت و کمال را برای دنیا و آخرت خرد برگیرنـد و خـدمتگزاران خود، در این آستان مقدس را نیز از دعا فراموش نکنند.

معاونت تبلیغات وارتباطات اسلامی

آستان قدس رضوی

ص: ۱۰

پیشگفتار

نماز، حضور در ضیافت معنوی و پر رمز و راز الهی است.(۱) نماز سکوی پرواز به سوی حق و برترین وسیله تقرّب به خدا(۲) و نزدیک ترین حالات بنده نسبت به پروردگار جهانیان است.(۳) نماز ستون دین(۴)، محبوب ترین اعمال بندگان در محضر الهی(۵)، معراج مؤمنان(۶)، نور الهی(۷)، زینت اسلام و چراغ قلب مؤمنان است(۸). نماز کوثری همیشه جاری برای شست وشو و طهارت روح(۹)، دژ محکم در برابر حملات شیطان(۱۰) است و انسان را از پلیدی ها، منکرات و گناهان باز می دارد(۱۱)، آتش گناهان را خاموش، غم ها

۱- رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: ألا إنّ الصلاه مادبه الله فی الارض قد هنأها لأهل رحمته فیکلّ یوم خمس مرّات. مستدرک الوسائل، ج۳، ص۱۶.

۲- سألت أباعبدالله (علیه السلام) عن أفضل ما یتقرّب به العباد الی ربهم و أحبّ ذلک إلی الله عزوجل ما هو؟ فقال: ما أعلم شیئا بعد المعرفه أفضل من هذه الصّلاه، ألاتری أن العبد الصّالح عیسی بن مریم (علیه السلام) قال: وأوصانی بالصّلاه و الزکاه ما دمت حیّاف وسائل الشیعه، ج۳، ص۲۵.

۳- امام صادق (علیه السلام) فرمود: اقربمایکون العبد إلی الله و هو مساجد. ثواب الاعمال، ص ۶۰.

۴- عن جابر، عن أبی جعفر (علیه السلام) قال: الصّلاه عمود الدّین، مثلها کمثل عمود الفسطاط، إذا ثبت العمود ثبت الأوتاد و الأطناب، و إذا مال العمود و انکسر لم یثبت و تد و لا طنب. ثواب الاعمال، ص۱۷، ح۱۲.

۵- عن ابن مسعود قال: سألت رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) أیّ الأعمال أحبّ إلی اللّه؟ قال: الصّلاه لوقتها،قلت: ثم أیّ شیء؟ قال: برّ الوالدین، قلت: ثمّ أیّ شیئ؟قال: الجهاد فی سبیل الله. وسائل الشیعه، ج۳، ص۸۲، ح۱۷.

۶- الصلاه معراج المؤمن، مستدرک سفینهالبحار،ج۶،ص۳۳۳.

۷- پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: الصلاه نور المؤمن، و الصلاه نور من الله. المعجم الکبیر، ج۱۹، ص۱۰۶.

۸- پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: لکلّ شیء زینه و زینه الإسلام الصّلوات الخمس، و لکلّ شیء رکن و رکن المؤمن الصّلاه، ولکلّ شیء سراج و سراج قلب المؤمن الصّلوات الخمس

۹- عن أبی جعفر (علیه السلام) قال: قال رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) :لو کان علی باب دار أحدکم نهر و اغتسل فی کلّ یوم منه خمس مرّاتأکان یبقی فی جسده من الدرن شیئ؟ قلت: لا، قال: فانّ مثلالصلاه کمثل النّهر الجاری کلّما صلّی صلاه کفرت ما بینهما منالذنوب. وسائل الشیعه، ج۳، ص۷،ح۳.

۱۰- حضرت علی (علیه السلام) فرمود: الصلوه حصنمن سطوات الشیطان. غررالحکم، ص۵۹.

۱۱- «ان الصلاه تنهی عن الفحشا و المنکر» سوره عنکبوت(۲۹)آیه ۴۵.

و غصه ها را برطرف می سازد(۱). نماز همچون سری برای پیکر زیبای دین است.(۲) موجب نازل شدن رحمت های بی کران الهی بر بندگان است(۳). در دادگاه عدل الهی نخستین سؤال از نماز خواهد بود(۴)، اگر نماز بنده پاکیزه و مقبول باشد اعمال دیگرش نیز مقبول خواهد بود(۵). مواظبت بر نماز باعث نور و حجت و نجات از آتش می گردد(۶)، نور چشم پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) (۷) و وسیله ای برای زنده نگهداشتن یاد خداست(۸). در انتظار نماز به سر بردن، گنجی از گنج های پر بهای بهشت است(۹) و به هنگام فرا رسیدن وقت نماز درهای آسمان به روی بندگان باز می شود.(۱۰) پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: نماز از آیین های دین است؛ در آن خشنودی پروردگار عزوجل

۱- پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: ما من صلاه یحضر وقتها إلّا نادی ملک بینیدی النّاس، أیّها النّاس قوموا إلی نیرانکمالّتی أو قدتموها علی ظهورکم فاطفئوها بصلواتکم. بحارالانوار، ج۲،ص۲۰۹.

۲- پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: إنّما موضع الصّلاه من الدّین کموضع الرّاس منالجسد. الفردوس، ج۴، ص۱۵۷.

۳- حضرت علی (علیه السلام) فرمود: الصّلوه تنزل الرّحمه. غررالحکم، ص۵۲.

۴- قال: و قال الصادق (علیه السلام) :أوّل ما یحاسب به العبد الصّلاه، فإن قبلت قبل سائر عمله، و إذا ردّت ردّعلیه سائر عمله. وسائل الشیعه، ج۳، ص۲۲، ح۱۰.

۵- عن علی (علیه السلام) قال: قال رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) : إنّ عمود الدینالصّلاه و هی أوّل ما ینظر فیه من عمل ابن آدم فإن صحّت نظرفی عمله و إن لم تصّح ینظر فی بقیه عمله. وسائل الشیعه، ج۳، ص۲۲، ح۱۳.

۶- پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: خمس صلوات من حافظ علیهنّ کانت له نورا و برهانا و نجاه یومالقیامه. کنزالعمال، ج۷، حدیث۱۸۸۶۲.

۷- جعلت قرّه عینیفی الصلاه، زاد المعاد فی هدی خیر العباد، ج۱، بابالصلاه.

۸- پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: إنما فرضت الصّلاه...لإقامه ذکر الله. احیاء علوم دین، ج۱،ص۲۸۸.

۹- عن علی (علیه السلام) قال: قال رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) : انتظار الصّلاه بعدالصّلاه کنز من کنوز الجنّه. وسائل الشیعه، ج۳، ص۸۵ ح۶.

۱۰- عن محمد بن مسلم، قال: سمعت أباعبدالله (علیه السلام) یقول: إذا دخل وقت صلاه فتحت أبواب السمائلصعود الاعمال، فما أحب أن یصعد أوّل من عملی، و لا یکتبفی الصحیفه أحد أوّل منّی. وسائل الشیعه، ج۳، ص۸۷ح۲.

و راه روشن پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) است و نمازگزار، محبّت فرشتگان را با خود دارد. نماز، هدایت و ایمان، نور معرفت، برکت در روزی، آسایش تن، ناپسندی برای شیطان، پذیرش دعا و قبولی اعمال را به ارمغان می آورد. نماز، توشه ی مومن از دنیا به سوی آخرت، شفیع میان او و فرشته ی مرگ، انیس او در گور، فرش زیرش و پاسخ منکر و نکیر است. و نماز بنده هنگام محشر، تاجی بر سر اوست و نوری بر چهره اش، پوشش کالبدش، پرده ای میان او و آتش، حجتی میان او و پروردگار بزرگ و با عظمتش، نجات تنش از آتش، برگه عبور از صراط، کلیدی برای بهشت، مهریه ی حورالعین و بهای بهشت است. بنده با نماز در فراز می آید، زیرا نماز تسبیح و تهلیل (لا اله الا الله گفتن) و سپاس و بزرگ داشت و مدح و تنزیه و سخن گفتن (با خدا) و دعاست.(۱)

(برای نمازگزار) سه ویژگی است: رحمت الهی او را از کف پایش تا کرانه ی آسمان در بر می گیرد و فرشتگان از روی سرش تا کرانه های آسمان گرداگرد او را می گیرند و فریاد کننده ای ندا در می دهد: اگر مناجات کننده می دانست با که مناجات می کند، باز نمی گشت.(۲)

ترک نماز، خدا را خشمگین(۳) و اعمال را تباه می سازد(۴). کسانی که به عمد نماز را ترک کنند، از دین بهره ای ندارند(۵) و آنان که نماز را سبک بشمارند، شیطان بر آنان چیره می شود و به گناهان

۱- خصال، ص۵۲۲.

۲- ثواب الاعمال، ص۵۷.

۳- پیامبر اکرم۳ فرمود: من ترک صلاه لقی الله و هو علیهغضبان. المعجم الکبیر، ج۱۱، ص۲۳۴.

۴- پیامبر اکرم۳ فرمود: من ترک الصلاه معتمداً أحبط الله عمله. مسند ابنحنبل، ج۹، ص۱۲.

۵- پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: من ترک الصّلاه متعمداً فقد کفر جهاراً. عوالیاللالی، ج۲، ص۲۲۴.

بزرگ گرفتارشان می سازد.

و ما در این اثر چگونگی حضور در این ضیافت باشکوه را در تابلوی زیبای سیره و کلام عالم آل محمد امام رئوف حضرت رضا (علیه السلام) به نمایش گذاشته ایم و ارادتمندان به آن حضرت را به تماشای این تابلو زیبا دعوت می کنیم.

گفتار اول: اهتمام به نماز در سیره و کلام امام رضا (علیه السلام)

اشاره

فرصت وصـال و نیـایش و خلوت بـا محبوب برای محب و عاشق، بسـیار مغتنم و لـذّت بخش است. و نماز یکی از این فرصـت هـای طلا-یی برای وصـال و نیـایش بـا محبوب حقیقی و مطلق هستی است. لـذا عاشـقان دلبـاخته ی الهی به خلوت و نیایش با محبوب اهتمـام می ورزنـد و از لحظه لحظه های زنـدگی برای خلوت و نیایش با محبوب و کسب رضایت الهی و انجام وظیفه بهره می برنـد. امام نیایش گران و نمازگزاران، هشـتمین اختر تابناک هدایت، الگوی کاملی در بهره برداری از فرصت ها برای نیایش با محبوب حقیقی و مطلق هستی است.

رجاء ابن ابی ضـحاک که مـدتی محافظ و مواظب حضـرت رضا (علیه السـلام) بود و در طول سـفر از مـدینه تا مرو در رکاب حضرت بود، گزارش مفصلی از برنامه عبادی و نمازهای آن عاشق دلباخته الهی ارائه داده است.

رجاء ابن ضحاک می گوید:

«به خـدا سوگنـد، من مردی باتقواتر از او ندیـدم، کسـی را ندیـدم که در تمام اوقاتش بیشتر از او به یاد خدا باشد و خوفش از خدا از او شدیدتر باشد.

همین که فجر طلوع می کرد، نمـاز صـبح را می خوانـد پس از آن مشـغول دعا (تسبیـح، تحمیـد، تکبیر، تهلیل...) بود تا طلوع آفتاب، پس از طلوع آفتاب سـجده طولانی می کرد، پس از آن مشغول حدیث و موعظه مردم می شد تا نزدیک ظهر؛ نزدیک ظهر تجدیـد وضو کرده و به مصـلایش می رفت، پس از اذان ابتـدا هشت رکعت نافله ظهر می خوانـد، سـپس اذان و اقامه می گفت و مشغول نماز ظهر می شد.

بعد از نماز ظهر مشغول دعا می شد و در پایان سر به سجده می گذاشت و صد مرتبه «شکراً لِلّه» می گفت. پس از آن، نافله ی عصر می خواند و اذان و اقامه می گفت و نماز عصر می خواند. سپس مدت مدیدی تسبیح و تحمید و تکبیر و تهلیل می گفت و در پایان سر به سجده می گذاشت و صد مرتبه «حمداً لِلّه» می گفت. وقتی مغرب فرا می رسید وضو می گرفت و اذان و اقامه می گفت و نماز مغرب می خواند. بعد از نماز مدتی دعا می کرد، سپس چهار رکعت نافله ی مغرب می خواند. به هنگام نماز عشاء، نماز و نافله اش را می خواند و به بستر می رفت. یک ثلث از شب گذشته از بستر بلند می شد، در حالی که زبانش به تسبیح و تحمید و تکبیر و تهلیل و استغفار گویا بود. مسواک می زد، وضو می ساخت و به نماز شب مشغول می شد. در هر رکعت، حمد یک بار و «قل هو الله احد» را سی مرتبه می خواند. بعد از آن نماز جعفر طیار را می خواند، وقتی فجر فرا می رسید نماز نافله ی فجر را خوانده، پس از آن نماز صبح را می خواند...»(۱)

امام نیایش گران و نمازگزاران، هشتمین اختر تابناک هدایت درباره اهمیت نماز فرمود:

«بدان که افضل واجبات بعد از معرفت خدای عزوجل نماز های پنجگانه است.»(۲)

«به وقت قیامت بنده را به دادگاه الهی طلب می کنند و اول چیزی که از او می پرسند، درباره نماز است؛ پس اگر نماز را تمام و جامع و کامل ارائه داد، اهل نجات است وگرنه با خشم به

۱- بحارالانوار، علامه مجلسی، ج۴۹، ص ۹۱ تا۹۵.

۲- «اعلم انّ افضل الفرائض بعدمعرفه الله عزوجل الصّلاه الخمس»مستدرک الوسائل، ج۱، ص۱۷۵.

دوزخ انداخته می شود.»(۱)

«نماز، مطالبه وصال و تقرّب بنده به سوی خداوند است»(۲)

اباصلت هروی گوید:

به «سرخس» مسافرت کردم و در آن جا در جلو زندان امام رضا (علیه السلام) رفتم تا اجازه بگیرم و به حضور آن حضرت برسم و احوال پرسی کنم. زندان بان ها به من اجازه ندادند و گفتن: «هیچ راهی نیست» گفتم: چرا؟

گفتند: زیرا امام رضا (علیه السلام) در بسیاری از اوقات شبانه روز هزار رکعت نماز می خواند و فقط ساعتی در اول روز و قبل از ظهر و هنگام غروب در محل نمازش می نشیند و با خدا مناجات می کند.

گفتم: در همین موقع برای من اجازه بگیرید، اجازه گرفتند. خدمت آن حضرت رسیدم، دیدم در محراب خود نشسته و در اندیشه است...(۳)

در زیارت نامه آن حضرت می خوانیم:

«اشهد انک قد اقمت الصلوه و آتیت الزکاه و أمرت بالمعروف و نهیت عن المنکر و عبدت الله حتی أتاک الیقین.»(۴)

«گواهی می دهم که تو نماز را اقامه کرده، زکات داده ای، امر به معروف و نهی از منکر کردی، و خدا را عبادت کردی تا به مقام یقین رسیدی.»

۱- «اذا کان یومالقیامه یدعی بالعبد فاوّل شیء سئل عنه الصلاه فاذا جاءبها تامّه و الّا زخّ فی النّار» وسائل الشیعه، ج۳، ص۱۹؛ المحجهالبیضاء، ج۱، ص۳۳۹.

۲- «الصّلاه طلب الوصال ال الله من العبد»بحارالانوار، ج۸۴، ص۲۶۴.

۳- بحارالانوار، ج۱۲، ص۱۵۹؛ داستانها وحکایت های نماز، ص۳۱.

۴- مفاتیح الجنان، ص۹۱۴.

کیفر سستی در نماز

امام رضا (علیه السلام) فرموده است:

«تا وقتی که مؤمن نمازهای پنجگانه خود را به موقع و با شرایط به جا آورد، شیطان پیوسته از او ترسان و هراسان است، ولی هرگاه وی نماز خود را ضایع کند، شیطان بر او غالب می شود، و او را وارد گناهان بزرگ می نماید.»(۱)

امام رضا (علیه السلام) از پدرانش از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) روایت کرده که فرمود:

«نمازهای خود را ضایع نکنید، زیرا هر که نماز را ضایع کند با «قارون» و «هامون» محشور می گردد... پس وای بر کسی که بر نمازهای واجب خود و انجام سنت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) مراقبت ننماید.»(۲)

امام رضا (علیه السلام) فرمود:

«بپرهیزید از این که در نماز سستی و تنبلی کنید یا در حق آن کوتاهی کنید، یا حد و حدودش را ضایع کنید، یا رکوع و سجده نماز را آن چنان از روی شتاب به جا آورید که گویی همچون خروس منقار می زنید، یا این که نماز را سبک بشمارید، یا این که به جای نماز به امور دنیایی سرگرم شوید، یا نماز را در وقت خود به جا نیاورید.»

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود:

«هر که نمازش را سبک بشمارد، با من پیوند و وابستگی معنوی ندارد. (۳)سوگند به خدا، بر حوض کوثر در جوار من وارد

۱- وسائل الشیعه، ج۳، ص۸۱.

۲- عیون اخبار الرضا (علیه السلام) ، ج۲، ص۳۱؛ مسند الامام الرضا (علیه السلام) ، ج۲، ص۱۵۶.

۳- مستدرک الوسیله، ج۳، ص۲۵، ح۲۹۲۵ ۴.

نخواهد شد.»

امام رضا (علیه السلام) فرمود:

«هرگاه روز قیامت فرا رسد، بنـده را می خوانند، پس اولین موضوعی که از او سؤال می شود، نماز است. اگر حدود و شـرایط نمـاز را به طور کامـل به جـا آورده باشـد، نجات می یابـد، اگر نمازش را با شـرایط و آداب صـحت یا قبولی آن به جا نیاورده باشد، او را به آتش می افکنند.»(۱)

«به درستی که نماز بهترین عبادت خـداست. نماز بهترین صورتی است که خـدا خلق کرده است. پس کسـی که نماز کامل ادا کند، در حقیقت حق واجبش را ادا کرده است و هر کس که نماز را سبک بشمارد، به صورتش زده می شود (به او برگردانده می شود)»(۲)

۱- وسائل الشیعه، ج۳، ص۱۹.

۲- جامع احادیث الشیعه، ج۴، ص۵.

اهتمام به نماز اول وقت

درِ خانه ی محبوب، اگرچه همیشه به روی بندگان و محبّانش باز است اما محبوب مهربان هستی، اوقاتی از شبانه روز را برای نیایش و خلوت بندگانش اختصاص داده و از بندگانش برای حضور در ضیافت باشکوه نیایش، دعوت رسمی به عمل آورده است. در این اوقات درهای بیکران رحمتش را به روی بندگانش باز کرده و نیایش و نماز را برترین وسیله تقرب بندگانش قرار داده است. عاشقان کوی دوست و سالکان طریق کمال در انتظار رسیدن آن اوقات نورانی لحظه شماری می کنند و به هنگام فرا رسیدن آن اوقات شریف لبیک به دعوت محبوب را بر هر کاری مقدم می دارند. اهتمام به نماز اول وقت در سیره ی امام سالکان کوی دوست جلوه چشم گیری دارد، پیروان آن حضرت سیره ی امام خویش را نصب العین قرار می دهند و به پیروی از امامشان فرصت نماز اول وقت را هرگز از دست نمی دهند. اینک چند نمونه از سیره ی آن حضرت در توجه و اهتمام به نماز اول وقت را با هم مرور می کنیم.

ابراهیم بن موسی فزاز گوید:

«روزی در خراسان در مسجد، در خدمت امام رضا (علیه السلام) بودم، بر چیزی که از آن حضرت می خواستم، اصرار کردم. در این هنگام امام برای پیشواز یکی از جماعت طالبین بیرون رفت. در راه وقت نماز شده و امام به جانب ساختمانی که در آن جا بود روی آورد و در زیر صخره ای که در نزدیکی آن ساختمان بود،

فرود آمد. تنها من در خدمت حضرت بودم. حضرت فرمود: اذان بگو. عرض کردم: منتظر باشید تا اصحاب به ما بپیوندند. امام فرمود: «غفر الله لک! لانوخرّن صلواه عن اول وقتها الی آخر وقتها من غیر علة: علیک ابداً باول الوقت» خداوند، تو را بیامرزد! هرگز نماز را از اوّل وقت آن، بدون علت به تأخیر نمی اندازیم، همواره مراقب اوّل وقت باش.» پس اذان گفتم و نماز خواندیم. پس از نماز، دوباره آن را که از حضرت خواستم، یادآور شدم. در آن هنگام امام با تازیانه ای خاک ها را کمی کنار زد، ناگاه از زیر خاک ها سکه ای از طلای ناب پدیدار گشت، امام (علیه السلام) آن را برداشت و فرمود: این سکه طلا را بگیر، خداوند برای تو در آن برکت قرار دهد و از آن سود ببری و آن چه را دیدی پنهان کن.»

ابراهیم گوید:

«خداوند برای من از آن سکه برکت فراوان قرار داد، آن چنان که در خراسان لوازم زیادی خریدم که قیمت آن ها به هفتاد هزار دینار طلا می رسید، و من از همه ی همگنان خود توانگرتر و ثروتمندتر شدم.»(۱)

رویداد دیگری در زندگی آن امام بزرگ به ثبت رسیده است که اهمیت بسیار بالا و حیاتی نماز اول وقت را روشن می سازد.

در آن روزها که مأمون جلسه گفت وگو و مناظره تشکیل داده بود و امام (علیه السلام) را با عالمان بزرگ ادیان و مذاهب و مکاتب فلسفی به بحث واداشته بود و امام با عالمان مسیحی و متکلمان و فلسفه دانان به گفت و گو می پرداخت، در یکی از این مناظرات،

۱- عیون اخبار الرضا (علیه السلام) ، ج۱، ص۱۵۴؛ بحارالانوار، ج۱۰، ص۲۹۹؛ منتهیالآمال، ج۳، ص۱۷۰۱.

عمران صابی که از عالمان بزرگ و متکلمان به نام زمان بود، چنین گفت:

«ای عالم و دانای مردم! اگر چنین نبود که تو همگان را به پرسش و سؤال فراخواندی، من هرگز از تو پرسشی نمی کردم، من به کوفه و بصره و شام و جزیره العرب رفته ام، و با متکلمان و سخنوران و دانایان زمانه دیدار داشته ام و هنوز کسی را ندیده ام که به سؤالاتم پاسخ قانع کننده بدهد. حال اجازه می دهی که از تو سؤال کنم؟»

حضرت فرمود:

«اگر در این جماعت کسی عمران صابی باشد، تو هستی؟»

عرض کرد: «آری، من عمران صابی ام.»

حضرت فرمود: «بپرس ای عمران، ولی باانصاف باش و از سخن سست و بی دلیل و ناحق دوری جوی.»

گفت: «ای سید و آقای من! به خدا سوگند، چیزی جز آن نخواهم که برای من امری را ثابت کنی و من به آن بگروم و از آن در نگذرم.»

آن گاه عمران صابی سؤالاتش را پرسید و امام رضا (علیه السلام) به تمامی آنان پاسخ فرمود.(۱) در میانه ی گفتمان امام با عمران صابی، وقت نماز فرا رسید، امام رو به مأمون کرد و فرمود: «هنگام نماز است.»

عمران عرض کرد: «سرور من، بحث مرا قطع مکن، چرا که دل من آماده ی پذیرش سخنانت شده است.»

حضرت فرمود: «نماز می گزاریم و به گفت و گو باز می گردیم.»

۱- آوردن تمامی این پرسشها و پاسخهااز فراخور این نوشته بیرون است و به کتاب مناظرات امام رضا (علیه السلام) رجوع کنید.

پس امام و مأمون از جای برخاستند. نماز که به پایان رسید، امام به مجلس بازگشتند و عمران صابی را خواستند و فرمودند: «بپرس، ای عمران!» و باز همچنان عمران پرسش هایش را مطرح می کرد و امام پاسخ می داد و پس از پاسخ می فرمود (پاسخ سؤالت را) دریافتی؟ او پاسخ می گفت: «آری ای مولای من!» خوب فهمیدم. در پایان گفت و گو که به طول انجامید، عمران صابی به راه راست هدایت شد و شهادتین گفت و رو به قبله به سجده افتاد و اسلام آورد و...(۱)

حضرت امام رضا (علیه السلام) در تفسیر آیه شریفه ی: «وَالَّذِینَ هُمْ عَلَی صَلَوَاتِهِمْ یُحَافِظُونَ»(۲)؛ «مؤمنان کسانی هستند که بر نمازهای شان محافظت می کنند» فرموده است: «مراد خداوند متعال مواظبت بر اوقات نماز است.»

همچنین فرمودند:

«اوقات نماز را محافظت کنید (سعی کنید نماز را در اوقات مخصوص آن به جا آورید) زیرا هیچ بنده ای از آفت حوادث در امان نیست. کسی که وقت واجب نماز او فرا رسد، و از روی عمد از آن کوتاهی کند، (در وقت خود به جای نیاورد) خطاکار است.»(۳)

خداوند در قرآن این گروه را مذمت کرده و فرموده است:

«فَوَیْلٌ لِّلْمُصَلِّینَ * الَّذِینَ هُمْ عَن صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ»(۴)

۱- عیون اخبار الرضا (علیه السلام) ،ج۱، ص۱۵۴؛ بحار الانوار، ج۱۰، ص۲۹۹؛ منتهی الامال، ج۳، ص۱۷۰۱.

۲- سوره مؤمنون (۲۳) آیه۹.

۳- مستدرک الوسائل، ج۳، ص۹۶، ح۳۱۰۷.

۴- سوره ماعون (۱۰۷) آیه۴ ۵.

«وای بر آن دسته از نمازگزارانی که از نماز خود غافل اند.»

و نیز فرمود:

«مراد از ساهون در این آیه آن هایی هستند که غافل از اوقات نمازهای واجب خود هستند.»(۱)

روشن است که شیطان همواره در کمین انسان نشسته است و از هر فرصتی استفاده می کند تا با نیرنگ ها و وسوسه های خود، آدمی را از مسیر درست و از رسیدن به کمال و تعالی بازدارد و او را با خود همراه سازد. شیطان بیشتر همّ و غمّ خود را، معطوف نماز می کند و می داند که اگر بندگان به نماز اهمیت دهند، هیچ مجالی برای جولان و یکه تازی او وجود نخواهد داشت.

امام رضا (علیه السلام) می فرماید:

«شیطان پیوسته از شخص مؤمن در وحشت و گریزان است، تا وقتی که بر نمازهای پنجگانه مراقبت و محافظت دارد. هنگامی که [با تأخیر از اول وقت و بی اعتنایی] آن ها را ضایع ساخت، شیطان بر او جرأت یافته و او را به ورطه ی گناهان بزرگ می اندازد.»(۲)

به همین دلیل است که امام معصوم (علیه السلام) می فرماید: «امتحنوا شیعتنا عند مواقیت الصلاه کیف محافظتهم علیها؛ شیعیان ما را در اوقات نماز، آزمایش کنید که چگونه بر خواندن نماز در موعد مقرّر محافظت می کنند.»(۳)

امام رضا (علیه السلام) به یکی از اصحابش فرمود:

«ای فلانی! زمانی که وقت نماز فرا رسد، بر تو لازم است نماز را در اول وقت به جای آوری، زیرا تو نمی دانی بعداً چه پیش

۱- بحارالانوار، ج ۸۰، ص ۲۰.

۲- عیون اخبار الرضا (علیه السلام) ، ج ۲، ص ۲۷.

۳- سفینه البحار، ج ۲، ص ۴۴.

خواهد آمد.»(۱)

و نیز فرمود:

«برای هر نمازی سه وقت است: اول وقت، وسط وقت، آخر وقت. به جا آوردن نماز در اوّل وقت موجب خشنودی خدا، و در وسط آن عفو پروردگار، و در آخر وقت غفران و آمرزش الهی است و بهترین اوقات، اول وقت است و کسی حق ندارد آخر وقت را برای نماز انتخاب کند. همانا نماز آخر وقت برای کسی مجاز است که بیماری یا عذری داشته باشد، یا این که مسافر باشد.»(۲)

نماز اول وقت افزون بر ثواب و اجری که دارد آثار و برکات متعددی به دنبال دارد، اما نماز در وسط وقت تنها ثواب داشته و آن برکات را در پی نخواهد داشت. هرگاه انسان نماز را در آخر وقت بخواند، از ثواب آن نیز کم خواهد شد.

۱- وسائل الشیعه، ج۳، ص۸۷.

۲- مستدرک الوسایل، ج۱، ص۱۸۵؛ بحارالانوار،ج۸۲، ص۳۵۰.

رعایت آداب نماز

اشاره

هر ضیافتی آدابی دارد و برای بهره مندی بیشتر و بهتر از آن ضیافت باید آداب ضیافت را رعایت کرد. به راستی ضیافت باشکوه و پر رمز و راز نماز دارای چه آدابی است؟ اینک از زبان مخزن اسرار الهی، امام رضا (علیه السلام) که معرفت کاملی نسبت به این ضیافت و آداب آن دارد، آداب نماز را بهره مند می شویم:

«ادب نماز این است که آن را با حضور قلب و فراغت اعضا و جوارح از هر کاری، به جای آوری و با ذلّت در مقابل خداوند بایستی و بهشت را در طرف راست خود ببینی و آتش را در طرف چپ و صراط را پیش رو و خداوند را در مقابل.»(۱)

از فرمایشات دُرَربار رضوی استفاده می شود که نماز آدابی باطنی و ظاهری دارد، وقتی شرایط و آداب باطنی رعایت شود بر ظاهر نمازگزار تأثیر گذاشته و آداب ظاهری نیز رعایت می شود.

الف) آداب باطنی

مقصود از آداب باطنی آن دسته از آدابی است که مربوط به قلب و باطن انسان هاست.

۱ حضور قلب

در تعریف حضور قلب آمده است:

«مقصود از حضور قلب، این است که در هنگام نماز، نزد نماز باشد، نه مشغول به امر دیگری که او را از نماز، غافل می کند و

۱- بحارالانوار، ج۸۴، ص۲۴۶؛ فقه الرضا (علیه السلام) ، ص۴۳.

همین مقدار که نماز گزار قلبش، متوجه ظاهر و احوال و اقوال نماز باشد، در تحقیق حضور قلب، کافی است.»(۱)

نمازگزار، بایستی همواره خود را در محضر خداوند متعال مشاهده کند (بین یدی الله تبارک و تعالی) و از پریشانی حواس و افکار غیرالهی بپرهیزد. نمازگزار، باید حریم اوامر الهی را بسیار بزرگ بشمارد و از عظمت پروردگار خویش خائف بوده و به رحمت واسعه ی پروردگار امید داشته باشد. او هنگامی که برای نماز ایستاده و به محلّ سجده چشم دوخته است، باید در ذهن خود مجسم کند که در برابر خدای قادر متعال ایستاده که او را می بیند و به آن چه در اعماق دلش می گذرد، آگاه است.

حضرت امام رضا (علیه السلام) در فرازهای سخنانش توجّه به این چند نکته را در امر حضور قلب برای هر نمازگزاری ضروری دانسته اند:

نماز را با حضور قلب و فراغت اعضا و جوارح از هر کاری به جای آورد.

با ذلّت در برابر خداوند بایستد.

بهشت را در طرف راست خود ببیند.

آتش دوزخ را در طرف چپ خود ببیند.

صراط را در پیش روی خود قرار دهد.

خداوند را در مقابل خود مشاهده کند.

حضرت رسول (صلی الله علیه و آله و سلم) فرموده است: «عبادت کن خدای تعالی را، چنان که گویا او را می بینی و اگر او را نمی بینی، او تو را می بیند.»(۲)

همچنین نمازگزار باید متوجه باشد که توجه به خدا، منحصراً

۱- اسرار الصلاه، ملکی تبریزی،ص۱۸۶.

۲- آداب الصلاه، ص۴۵.

بایـد با قلب او باشد و درونش متوجه حضـرت احدیّت باشد؛ اما سـر و صورت او آینه دل و تابع و پیرو آن است و توجه سـر و صورت، به تنهایی ارزش ندارد.

بنـده ای که دامن خدمت به کمر بسـته است در برابر سـیّد و مولای خود ایسـتاده است، چگونه ممکن است از او روی برتابد و افکارش را در غیر آن چه مولا می خواهـد به کار انـدازد؟ بی گمان چنین کاری، موجب محرومیت او از توفیق بندگی خواهد بود؛ کجا رسد که آن مولی خدای قادر متعال باشد که او را آفریده و همه مقدّراتش را تقدیر نموده است.

حضـرت علی بن موسـی الرضا (علیه السـلام) نقل فرموده اند: «مردی از اصـحاب امیرالمؤمنین (علیه السـلام) بود به نام «قیس»، هنگامی که مشـغول نماز شـد، در رکعت اول مار سـیاهی آمـد و در موضع سـجده قیس قرار گرفت، او با بی توجهی کامل به رکوع و سـجده رفت، وقتی پیشانی برداشت، مار به گردن او پیچید، سـپس وارد پیراهن او شد؛ ولی او به نمازش ادامه داد و از مار هم آسیبی به او نرسید.»(۱)

سپس حضــرت رضــا (علیـه الســلام) قضــیه ای را کـه برای خودشـان رخ داده بـود، نقـل کرده و فرمـود: «مـن روزی در فرع بودم(زمینی واقع در مابین مکه و مـدینه) وقت نماز فرا رسـید، پس پیاده شدم و به سوی بوته ی ثمامه رفتم (در بیابان عربسـتان گاهی بوته هایی که به قد یک درخت وجود دارد که از سایه شان به خوبی می توان

۱- «انّ رجلاً من اصـحاب علی (علیه السـلام) یقال له قیسکان یصـلّی، فلمّا صلّی رکعه اقبل اسود، فصار فی موضعالسجود فلمّا نحی جبینه عـن موضــعه، تطّوّق الاـسود فی عنقـه ثمّانسـاب فی قمیصـه.» بحارالاـنوار، ج۸۱، ص۲۶۴. روشـن اسـت کـه این حکماختصـاص به آن دسـته از انسـان هـایی دارد که دارای مقـام هایبلنـد معنوی هسـتند امـا انسان های عادی اجازه دارنـد در صورت بروز خطر جدی برای حفظ جان شان نماز رابه هم بزنند و از جان خود دفاع بکنند.

استفاده کرد). همین که به نماز ایستادم و رکعتی خواندم، یک افعی نزدیک من آمد و کنارم قرار گرفت و من متوجه نماز شدم و از آن نکاستم و کم نکردم. افعی به من نزدیک شد و سپس به طرف بوته برگشت. وقتی از نماز فارغ شدم، در حالی که دعا و تعقیباتم را نیز تخفیف نداده بودم، بعضی از یارانم را که همراهم بودند، فراخواندم و گفتم: پشت سر شما زیر بوته افعی است.» پس او را کشتند. آنگاه امام علی بن موسی الرضا (علیه السلام) فرمود: «هرکس از غیر خدا نترسد خداوند او را کفایت می نماید.»(۱)

حضرت امام رضا (علیه السلام) فرموده است: «همانا نماز بهترین شیوه بندگی خداست و آن زیباترین شکلی است که خداوند آن را آفریده؛ پس کسی که به طور کامل و تمام آن را به جا آورد، حق واجب آن را ادا کرده است و کسی که در انجام آن کوتاهی کند، خدا آن را به صورتش می زند.»(۲) ۲ خشوع و خضوع

حضرت امام رضا (علیه السلام) فرموده اند: «بر تو باد در نماز به خشوع و خضوع و این که در پیشگاه خداوند، چنان خاشع و خاضع باشی که خشیّت و خوف از سیمای تو ظاهر گردد.»(۳)

خداوند متعال فرموده است: «به راستی مؤمنان رستگار شدند؛ آنان که در نمازهای شان خشوع کنندگان اند.»(۴)

۱- بحارالانوار، ج۸۴ ص۲۴۷.

۲- «انّ الصلاه افضل العباده لله و هی احسنصوره خلقها الله، فمن ادّاها بکمالها و تمامها فقد ادّی واجب حقها و منتهاون فیها ضرب بها وجهه.» بحارالانوار، ج۸۴ ص۲۴۶.

۳- «علیک بالخشوع و الخضوع متواضعاً بهعزّوجلّ، متخاشعاً علیک خشیه و سیماء الخوف» آداب الصلاه، ص۱۶۲

۴- «قد افلح المؤمنون، الذین هم فیصلاتهم خاشعون» مؤمنون(۲۳)، آیه ۱و۲.

بنـده ای که برای خـدمت و عبادت در پیشـگاه خـدای متعال می ایسـتد، موظّف است که با قلب و تمام جوارح و اعضاء اظهار عبودیت و بنـدگی کند. نمازگزار باید با طمأنینه و آرامش و هیبت و حیاء نماز بخواند و سـر خود را پایین بیندازد و به موضـع سجـده بنگرد و گردن و پشت خود را راست نگه دارد و دست هـای خود را بر روی ران هـا بگـذارد، بـدون این که بـا دسـت هایش بازی کند. کمال قلب در هنگام نماز به این است که این سـخن خدای تبارک و تعالی را پیوسـته در نظر داشته باشد که می فرماید: «هنگامی که بر پای می ایستی، در منظر پروردگارت هستی و او تو را می بیند.»(۱)

ب) آداب ظاهری

امام رضا (علیه السلام) در سخنان گهربار خود بیان فرموده اند:

«هرگاه خواستی نماز را به پای داری، پس با بی رغبتی و کسالت، خواب آلودگی، عجله و شـتاب، بازی و سرگرمی به چیزی، به نماز مشـغول نشو، بلکه نمازی به جای آور که سـکون و حضور قلب و آرامش و تأنّی در آن باشد. بر تو لازم است در نماز خاشع و خاضع باشـی، و در پیشـگاه خداوند جهان خود را خوار و ذلیل بدانی به طوری که خشیت و خوف از سیمای تو ظاهر شود، و به وسـیله آرامش و بر اثر فراوانی ترس و ورعی که بر دلت عارض شده است، دو حالت «ترس» و «امید» در تو آشـکار شود. پس در این حـالت مقابل پروردگارت همچون بنـده ی فراری گناهکار، که در مقابل مولایش قرار گرفته، بایست و قـدم هایت را منظم کن، و خداوند را ناظر بدان زیرا اگر تو خدا را نمی بینی،

۱- اسرار الصلاه، ملکی تبریزی،ص۲۶۲.

او تو را می بیند. با ریش و سایر اعضا و جوارحت بازی نکن، انگشتانت را به صدا در نیاور، بدنت را خارش مده، با بینی ات بازی مکن، با لباست هم بازی مکن، لثام زده نماز نخوان (مبادا چیزی در دهانت باشد که مانع اظهار صحیح کلمات یا مخارج حروف باشد) و برای زنان نیز روا نیست که با نقاب و روبند نماز بخوانند. هنگامی که در نماز ایستاده ای، چشمت را به موضع سجده بیفکن و در هنگام نماز از خودت جزع و ترس ظاهر کن و با دارا بودن این حالات ویژه، نشان بده که تو راغب به خدا هستی و به وی عشق می ورزی، در حال قیام گاهی به این پا، و گاهی به آن پایت تکیه مکن. همچون کسی که می خواهد با نماز وداع کند، نماز بگزار، طوری که دیگر موفق به ادای آن نمی شوی. بدان به یقین تو در برابر خداوند جبار هستی. بنابراین، به چیزی از اشیاء مشغول مشو و حدیث نفس مکن (چیزی غیر از یاد خدا را در درونت راه مده) و دلت را از همه چیز غیر از یاد خدا و عبادت او فارغ کن. و باید که فقط به کار نماز بپردازی و حق آن را کاملاً ادا نمایی.

در حال نماز، به هنگام قیام دست هایت را روی ران هایت قرار ده، و در افتتاح نمازت تکبیر بگو و دست هایت را تا نرمه ی گوش بلند کن، به طوری که انگشت های ابهامت از گوش مقابل آن تجاوز نکند، و در قنوت نماز واجب دست هایت از سر تجاوز نکند. اما در نماز نافله و وتر مانعی نیست که دست ها از سر تجاوز کند.

هرگاه به رکوع رفتی، پس دست هایت را بر زانوهایت بگذار و انگشتانت را بگشا و دست هایت را جمع کن و از محاذی زانوها

و پاها خارج مکن و هنگام برخاستنت از رکوع به تمام قامت بایست تا آن که مفاصلت کاملاً به مکان اصلی خود برگردد، و عروق و رگ ها جابه جا شود و سپس در سجده، پیشانیت و کف را بر زمین بگذار، و انگشتان دست هایت را هنگام سجده ببند، و به طرف قبله قرار ده و هرگاه نشستی، پس به قسمت راست بدن ننشین، بلکه طرف راست را بلند کن و بر طرف چپ بگذار و بر پهلوی خود بنشین و دست روی دست مگذار، بلکه دست هایت را آزاد کن و مستقیم بر ران ها بگذار، زیرا دست روی دست گذاشتن، عمل اهل کتاب است.

در هنگام نماز خمیازه مکش، و دست و پا دراز مکن و آروغ نزن؛ و هرگاه این دو بر تو فشار آوردند، با سعی و کوشش از بروز آن جلوگیری کن و هرگاه عطسه کردی، پس«الحمد الله» بگو، و در موضع سجده ات حرکت نکن، و به جلو و عقب نرو، بلکه ثابت و بی حرکت باش ...

هرگاه به نماز ایستادی، با تمام توجه قلبی و درونی به خداوند روی آور، تا خداوند نیز به تو روی آورد، و برای نماز، وضوی شاداب و کامل بساز. و هرگاه خواستی سجده کنی پیشانیت را بر خاک بگذار. هرگاه به نمازت روی آوردی، و با توجه و حضور کامل قلبی به نماز ایستادی، و آداب و شرایط نماز را حفظ کردی و با همه وجودت به سوی خدا رفتی، او نیز با همه رحمت و مغفرت و عنایتش به تو روی خواهد آورد. هرگاه از خدا روی گردان شوی، خداوند نیز از تو روی گردان شود، و تو را به حال خود رها خواهد کرد»(۱)

۱- بحارالانوار، ج۸۴، ص۲۰۴.

از امام هشتم (علیه السلام) درباره کیفیت نماز کامل سؤال شد، حضرت فرمود:

«نماز کامل [که نمازگزار را از آفت فحشا و منکر بازدارد] نمازی است که دارای شرایط زیر باشد: ۱ حضور قلب ۲ فراغت جوارح و اعضا از هر چیز (غیر از یاد خدا) ۳ با کمال ذلت و خاکساری در برابر خدا ایستادن ۴ رسیدن به مرتبه یقین؛ که نمازگزار فرض کند بهشت طرف راست، جهنم سوزان طرف چپ، صراط پیش رو، و ذات اقدس الهی در مقابلش قرار دارد.»(۱)

امام رضا (علیه السلام) فرموده است:

«نماز، صله(پیوند) و موهبتی است از طرف خداوند مهربان برای بنده از راه رحمت و عنایت. نماز، مطالبه ی وصال و راه رسیدن بنده به سوی خداوند است. البته هرگاه با نیت خالص وارد نماز شود، و با تعظیم و اجلال هرچه بیشتر برای خداوند تکبیر کند، و قرائت را با ترتیل بخواند، و با خشوع، رکوع را به جا آورد، و با تواضع سر از رکوع بردارد، و با ذلّت و خضوع سر به سجده گذارد، و با اخلاص در حالی که امید به رحمت خدا دارد، تشهد خواند، سپس نمازش را با رغبتی تمام و با امید به رحمت بی کران الهی، سلام دهد، و به پایان رساند؛ و در حالی بین ترس و امید، این فریضه ی الهی را به انجام رساند. پس هر گاه کسی نماز را با چنین آداب و شرایطی به جا آورد، حقّ نماز را ادا کرده است.»(۲)

۱- بحارالانوار، ج۸۴، ص۲۴۶.

۲- مستدرک الوسیله، ج۱، ص۲۶۴.

اهتمام به نماز شب

چنان که از گزارش رجاء ابن ضحاک استفاده می شود، امام هشتم (علیه السلام) به انجام کامل نوافل(۱) یومیّه و نافله شب مداومت داشت. در گزارش دیگری از ابراهیم بن عباس چنین آمده است:

«سیره ی آن حضرت چنان بود که شب کم می خوابید و بیشتر شب را بیدار بود و به عبادت و نوافل مشغول بود.»(۲)

علاوه بر سیره ی عملی آن بزرگوار، در بیانات آن معصوم نیز سفارش فراوانی به نافله ی شب شده است.

امام رضا (علیه السلام) فرموده است:

«نماز شب، موجب خوشنودی خدا است.»(۳)

نیز فرمود:

«بر شما لازم است که در به جای آوردن نماز شب کوشا باشید. هر بنده ای در آخر شب برخیزد، و هشت رکعت نماز گزارد، سپس دو رکعت نماز شفع، و یک رکعت نماز وتر به جای آورد، و در قنوت آن هفتاد بار از خدا طلب آمرزش نماید، از عذاب قبر و آتش در پناه ایزدی قرار گیرد، و عمرش طولانی شود، و

۱- نمازهای مستحبیزیاد است و آن ها را نافله گویند و بین نمازهای مستحبی بهخواندن نافله های شبانه روز بیشتر سفارش شده و آن ها سی وچهار رکعت اند که هشت رکعت آن نافله ظهر که قبل از نماز ظهر خوانده شود و هشترکعت نافله عصر که قبل از نماز عصر خوانده شود و چهار رکعت نافله مغرب که بعد ازنماز مغرب خوانده شود و دو رکعت نافله عشا به صورت نشسته بعد از نماز عشا خواندهشود و یازده رکعت نافله شب، هشت رکعت آن به نیت نافله شب و دو رکعت آننیت نماز شفع و یک رکعت نماز وتر خوانده شود و دو رکعت نافله صبحمی باشد که قبل از نماز صبح خوانده می شود.

۲- عیون اخبار الرضا (علیه السلام) ،شیخ صدوق، ج۱، ص۱۹۷.

۳- من لایحضره الفقیه، ج۱، ص۴۱۲.رضوان الله الصلاه بالیل.

وسعت رزق یابد.»(۱)

امام رضا (علیه السلام) از پدرشان و ایشان هم از جدشان نقل فرموده اند: از امام زین العابدین (علیه السلام) سؤال شد: چرا کسانی که نماز شب می خوانند از خوشروترین مردمانند؟

حضرت در پاسخ فرمود:

«زیرا آن ها با خدا خلوت کرده اند، و خداوند نیز ایشان را از نور خود پوشانده است.»(۲)

بدین سان سیره آن حضرت آن بود که به همه مستحبات اهتمام می ورزیدند و در انجام با کیفیت آن بسیار می کوشیدند، اما به نماز شب و نماز جعفر طیّار توجه خاص داشتند و هر دو را با هم می خواندند. نماز شب و نماز جعفر طیّار وقتی تأثیر فراوان بر روح و معنویت انسان می گذارد که در خلوت و به دور از چشم دیگران و با نشاط روحی و کیفیت و به طور مکرر و مداوم انجام شود و اگر کسی به چنین توفیقی دست یابد، انوار الهی بر قلب او خواهد تابید.

دعبل خزائی، که از شعرای به نام بود، گوید:

وقتی قصیده معروف به «مدارس آیات» را سرودم، برای زیارت امام رضا (علیه السلام) به خراسان رفتم و شعر خودم را برای آن حضرت خواندم. آن حضرت آن را تحسین کرد و فرمود اشعارت را برای کسی نخوان تا من اجازه خواندن به تو بدهم.

خبر آمدن من به خراسان، به مأمون نیز رسید، مرا احضار کرد و حالم را پرسید و از من خواست تا شعر معروفم را برایش بخوانم، من گفتم: آن را نمی دانم. مأمون، به غلام خود گفت: علی بن

۱- بحارالانوار، ج۷۸، ص۱۶۱، ح۵۳.

۲- عیون اخبار الرضا (علیه السلام) ، ج۱، باب ۲۸، حدیث۲۸، ص۵۷۴.

موسی الرضا (علیه السلام) را بخوان. چیزی نگذشت که حضرت آمد و به من فرمود: ای دعبل! اشعارت را بخوان. من اشعارم را خواندم، مأمون آن را تحسین کرد و پنج هزار درهم به من جایزه داد. امام رضا (علیه السلام) هم نزدیک به همین مبلغ را به من مرحمت فرمود. من از حضرت رضا (علیه السلام) خواستم که یکی از لباس هایش را به من بدهد تا آن را کفن خود قرار دهم. حضرت نپذیرفت و دستمال و پیراهنی از خز را به من داد و فرمود:

«نگه دار که در آن، هزار شب و در هر شب، هزار رکعت نماز خوانده ام و در آن هزار بار قرآن ختم کرده ام.»(۱)

امام رضا (علیه السلام) فرموده اند:

«خانه هایی که در آن نماز شب خوانده می شود، بر اهل آسمان ها نور می دهند، همان طوری که ستارگان بر اهل زمین نور می دهند.»(۲)

از امام (علیه السلام) سؤال شد: عبودیت چیست؟ امام فرمود: «در پنج چیز است: ۱ خالی بودن شکم، ۲ قرائت قرآن، ۳ نماز شب، ۴ تضرّع در پیشگاه خدا در صبحگاهان، ۵ گریه و زاری از خوف خدا»(۳)

«بر نماز شب و تهجّد، مراقبت و مداومت کنید؛ زیرا که نماز شب، احترام به ساحت اقدس پروردگار است؛ آن موجب افزایش روزی می گردد و چهره ها را زیبا می سازد و رزق آن روز را

۱- «احتفظ بهذا القمیص، فقد صلّیتفیه الف لیله، کلّ لیله الف رکعه و ختمت القرآن فیه الفختمه» بحارالانوار، ج۸۲، ص۳۰۹؛ اصول وافی، ج۲، ص۱۱۴؛ المحجه البیضاء،ج۴، ص۲۸۴.

۲- «انّ البیوت الّتییصلّی باللیل یزهر نورها لأهل السماء کما یزهرالکواکب لاهل الارض» بحارالانوار، ج۸۷، ص۱۶۱.

۳- «سئل [الرضا (علیه السلام)]عن العبودیّه: قال (علیه السلام) :العبودیه خمسه اشیاء: خلوّ البطن و قرائه قرآن و قیاماللیل و التضرّع عند الصبح و البکاء من خشیّه الله.» الموعظالعددیه، ص۱۵۹.

ضمانت می کند. در نماز وتر درنگ و وقوف بسیار کنید؛ زیرا که در حدیث آمده است که: هر کس در نماز وتر خود، درنگ کند، وقوف و درنگ او در محشر و روز قیامت، اندک خواهد گشت.»(۱)

«ای برادر! شب و روز بیهوده نمی گذرد؛ بلکه از گذشتنش، نقص به عمر آدمیان وارد می شود و این شب و روز، ساعت و لحظاتی است. پس اگر به لهو و لعب پرداختی، بدان که روز را به غفلت گذرانده ای و هرگاه شب فرا رسد و تو همه ی آن را به خواب رفتی، از جمله آن کسانی هستی که در شب و روز، هیچ خیری در او نیست و هر کس چنین باشد مردنش بهتر است از زنده بودنش؛ زیرا قلبش مرده است و هر کس قلبش مرده باشد، خیری در حیات بدن او نیست. ای برادر! بیدار باش که بیشتر عمرت در غفلت و خواب گذشت و غنیمت بدان باقیمانده عمر خود را و قیامت را فراموش مکن تا عاقبت به خیر باشی ...

ای برادر! هوشیار باش و تلافی کن آن چه را که از تو فوت شده است. بسیار بر خود گریه کن به خاطر این که موفق نمی شوی که به پروردگارت توجه کنی و به سوی او روی آوری.

عتاب کن نفس اماره خود را و قبول نکن عذرهایش را در ترک بیداری در شب؛ زیرا عذرهایش همه دروغ است و اگر رنج بیداری یک ساعت از شب را به خود هموار سازی، به یک راحت و نعمتی همیشگی خواهی رسید»(۲)

۱- «حافظوا علی صلاه اللیل، فانّهاحرمه الربّ، تدرّ الرزق و تحسن الوجه و تضمن رزق النهار و طولوا الوقوف فیالوتر؛ فانّه روی: من طوّل الوقوف فی الوتر، قلّ وقوفه یومالقیامه» نشان از بی نشانها، ص۴۲۷.

۲- ارشاد القلوب، ج۲، ص ۱۰ و ۱۳.

ص: ۳۹

گفتار دوم: اسرار و حکمت های نماز

اشاره

حکمت ها و اسرار مقدمات نماز

الف: طهارت

اشاره

برای شرکت در هر ضیافتی، مقدمات متناسب با همان ضیافت را باید فراهم کرد. نماز شرکت در ضیافت خلوت و نیایش با خدایی است که پاکی مطلق، زیبایی مطلق و نور مطلق است و نمازگزار برای آمادگی شرکت در چنین ضیافتی باشکوه باید ابتدا ظاهرش را از آلودگی و باطنش را از پلیدی ها و رذایل باطنی پاک سازد و با گرفتن وضو، نورانیت پیدا کرده و با پوشیدن لباس تمیز و شانه کردن سر و صورت و زدن عطر با ظاهری آراسته برای شرکت در این ضیافت خود را آماده کند.

۱ وضو

امام پاکی ها و زیبایی ها در بیان اسرار وضو به طهارت ظاهر و باطن اشاره کرده و فرموده است:

۱ پاک بودن بنده هنگام ایستادن در مقابل خدا.(۱)

۲ پاکیزه شدن از آلودگی ها و نجاسات»؛(۲)

۳ در وضو، از بین رفتن کسالت و جلوگیری از حالت خواب آلودگی؛(۳)

۴ پاک کردن قلب برای حضور در محضر خدای جبّار.(۴)

۱- «لأن یکون طاهراً اذا قام بینیدی الجبّار عند مناجاته»
۲- «نقیّاً من الأدناس و النجاسه»
۳- «مع ما فیه من ذهاب الکسل و طرد النعاس»
۴- «و تزکیه الفؤاد للقیام بینیدی الجبار»

در روایتی از امام رضا (علیه السلام) نقل شده است:

«علت وضو، این است که انسان در نماز، می خواهد با اعضای ظاهرش که همان اعضای وضوست در مقابل خداوند بایستد و فرشتگان را ملاقات کند، پس شستن صورت برای سجده و خضوع در آن است؛ شستن دو دست به سبب آن است که آن ها را به درگاه خدا بالا می برد و پایین می آورد و با آن دو کف، رغبت و رهبت و تبتّل (حرکت دست، که نشانه خوف و امید و طلب و عبودیت است) انجام می دهد و مسح سر و روی دو پا برای این است که ظاهر و آشکار و برهنه است و در جمیع حالات نماز، با این سه استقبال کند و رو به حق بایستد.»(۱)

۲ غسل

در غسل به شستن تمام بدن امر شده است؛ زیرا پست ترین حالات انسان و شدیدترین حالت تعلق دنیوی انسان، حالت جماع کردن است و از آن جا که بر تمام قسمت های بدن، جنابت پخش می شود، لازم است برای پاک شدن از این جنابت فراگیر، همه ی بدن شسته شود؛ از این رو پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: «ان تحت کل شعره جنابه»؛«همانا زیر هر مویی جنابتی است.»(۲)

در روایتی از امام رضا (علیه السلام) نقل شده است:

«علت غسل جنابت، پاکیزگی و نظافت، و پاک کردن انسان خود را از منی و تطهیر کردن سایر قسمت های بدن است؛ زیرا جنابت از تمام اعضا خارج می شود، پس تطهیر تمام بدن بر او

۱- عیون اخبار الرضا (علیه السلام) ، ج۲، ص۱۷۲، باب۳۳، ح۱.

۲- اسرار الصلوه،شهید ثانی، ص۶۱؛ منلا یحضره الفقیه، ج۱، ص۴۳، ح ۱۷۰.

واجب شده است.(۱)»

علت غسل عیـدین و جمعه و دیگر غسل ها آن است که انسان با آن ها، پروردگار خود را تعظیم می کند و بزرگ می دارد و نیز به سبب آن ها متوجه به خداوند کریم و بزرگوار خود می شود و از خداوند درخواست آمرزش می کند و نیز به سبب این که روز عیـد برای مردم شناخته شـده است، خداونـد غسل این روزها را بزرگداشت و تفضیل آن ها بر دیگر روزها قرارداد و علت غسل جمعه، طهارت و پاکی بنده تا جمعه دیگر است.

علت غسـل میت این است که میت را غسـل دهنـد تـا از آلودگی هـا و امراضـی که داشـته، پـاک شود؛ زیرا میت بـا فرشـتگان ملاقات می کند و با اهل آخرت همنشـین می گردد. پس چه نیکوست وقتی بر خدا وارد می شود و پاکان را ملاقات می کند، با طهارت و نظیف باشـد تا مورد درخواست رحمت و شـفاعت واقع شود. (و دیگر اینکه، برای پاک شدن از آن منی ای که از آن آفریده شده، و در هنگام مرگ از بدن او خارج می شود و جنب می گردد، غسل لازم است.)

علت غسل مس میت، طاهر شدن شخص است از چرک و پلیدی هایی که به جهت مس کردن میت به او رسیده؛ زیرا شخصی که از دنیـا رفته، روحش از او مفارقت کرده و بیشتر میکروب ها در پیکر او باقی می مانـد، پس بایـد پس از تماس با او، تطهیر انجام شود.(۲)

۱- من لا یحضره الفقیه، ج۱، ص۴۳،ح۱۷۱.

۲- عیون اخبار الرضا (علیه السلام) ، ج۲، ص۱۷۱، باب۳، ح۱.

ب: اوقات نماز

از حضرت امام رضا (علیه السلام) روایت است که به فضل بن شاذان فرمود:

«چنان چه کسی بپرسد که چرا نماز در این اوقات (اوقات معین و مخصوص) بدون تقدم و تأخر واجب شده است، جواب این است که این اوقات برای همه مردم روی زمین معلوم و واضح است و عالم و جاهل آن را به چهار وقت می شناسند: غروب آفتاب، خود آشکار و معلوم است که در آن، نماز مغرب واجب شده است و فرو رفتن سرخی آفتاب (شفق) پس از غروب خورشید معلوم و مشهور است که آن وقت نماز عشاء است؛ و همچنین طلوع فجر روشن و آشکار است و آن، وقت نماز صبح است و زوال شمس نیز آشکار و معلوم است و در آن، ظهر واجب می شود و برای عصر وقت مخصوص و معینی مانند نمازهای دیگر است و وقت آن پس از انجام ظهر است. و علت دیگر، این که خداوند دوست داشته که بندگانش قبل از هر کاری، ابتدا طاعت خداوند را انجام دهند؛ پس ایشان را در اول طلوع روز، امر کرده است که به عبادتش بپردازند و سپس در پی کار و روزی خویش روند و امور دنیوی خود را اداره کنند، پس در این وقت نماز صبح را بر ایشان واجب کرد و چون نیم روز شود از کار دست کشند و آن وقتی است که مردم به جای خود بازگردند و لباس از تن به در آرند و بیاسایند و به خوردن مشغول شوند و استراحت کنند و در چنین هنگامی خداوند آنان را امر فرموده که ابتدا به ذکر و عبادت او بپردازند، از این رو ظهر را بر ایشان

واجب کرده است تا به آن آغاز نمایند و سپس به کارهای دیگر بپردازند و چون امور شخصی را انجام دادند و خواستند پی کار و کسب خود روند، باز دستور نماز عصر را داده که آن را انجام دهند، و سپس به کاری که در نظر دارند رهسپار شوند و به اصلاح آن امر دنیایی خود پردازند، و چون شب شد، لباس از تن بیفکنند و به جایگاه و منزل بازگردند، پیش از هر کار باید به عبادت و ذکر پروردگارشان ابتدا کنند و بعد به امور دیگر بپردازند، از این رو نماز مغرب را بر ایشان واجب فرمود، و چون وقت استراحت و خواب آید و از کوشش فراغت یافتند، خداوند دوست داشته است که در آغاز به عبادت و طاعت او پردازند، سپس در پی اموری که می خواهند انجام دهند روند و از این جهت در این وقت، نماز عشاء را واجب کرد. پس چون این دستور را به کار بندند، او را فراموش نخواهند کرد و از او غافل نخواهد شد و در این صورت دل هایشان سخت نگردد ورغبت شان نکاهد و اگر کسی بگوید: وقتی معین برای عصر نیست، مانند اوقات نمازهای دیگر، چرا آن را بین ظهر و مغرب قرار داد و میان عشاء و صبح، یا میان صبح و ظهر قرار نداد؟ جواب این است: برای آن که هیچ وقتی برای مردم از ضعفاء و از کار بر کناران و اقویا و کارگزاران آسان تر و راحت تر و مناسب تر برای نماز عصر از این وقت معین نیست، زیرا مردم همگی از اول روز به تجارت و معامله و آمد و رفت و کار و کوشش در رفع حوایج خود، و فعالیت در بازارهای کسب مشغول اند، پس خداوند نخواست که آنان را از به دست آوردن روزی به کار دیگر مشغول کند ... نیز مردم همگی قادر به شب خیزی نیستند و آن را درست هم درک نمی کنند و وقت

آن در نیمه های شب اگر باشد، بیدار نمی شوند، هرچند واجب باشد و امکانش هم برای ایشان بسیار کم است، پس خداوند بر آنان آسان گرفت و نماز عصر را در سخت ترین ساعات شبانه روز مقرر نفرمود؛ بلکه وقت آن را در راحت ترین هنگام قرار داد، چنان که خداوند عزوجل خود فرموده است: «یرید الله بکم الیسر و لایرید بکم العسر»(۱)

از امام رضا (علیه السلام) نقل شده است که فرمود:

«افضل اوقات سه وقت است: هنگام زوال خورشید (ظهر) و پس از آن مغرب، و هنگام سحر؛ پس خداوند دوست داشت که برای قرب به او در این اوقات سه گانه نماز به جای آورده شود.»(۲)

۱- عیون اخبار الرضا (علیه السلام) ، ج۲، ص ۲۳۰ ۲۷۷.

۲- عیون اخبار الرضا (علیه السلام) ، ج۲، ص۲۳۱.

حکمت ها و اسرار نماز

الف: وجوب نماز

اشاره

نماز دری از درهای رحمت بی کران الهی است که قادر بنده نواز به روی بندگانش باز کرده و بهره مندی از برکات و آثار بی شمارش را به بندگان وظیفه شناس خود هدیه کرده است. محرم اسرار الهی و رحمت واسعه ی حق، امام هشتم در نامه جامع و زیبای زیر درحد توان ما خاکیان محجوب، پرده از اسرار این ضیافت پر رمز و راز برداشته و گوشه هایی از آثار و برکات آن را بیان فرموده است: آن حضرت در نامه ای به یکی از اصحاب خود نوشته است:

«همانا علّت وجوب نماز، اقرار به ربوبیّت پروردگار است و کنار گذاشتن شرک و این که برای خدا مثل و نظیری نیست؛ و ایستادن در برابر پروردگار با ذلّت و بیچارگی، و خضوع و اعتراف به وحدانیّت او، پشیمانی و طلب توبه از گناهان گذشته، و گذاشتن صورت بر زمین در هر روزی پنج مرتبه برای تعظیم پروردگار؛ و این که بنده متوجه خدا باشد و او را فراموش نکند، و راه سرکشی در پیش نگیرد، و خاضع و خاشع و ذلیل و مشتاق و خواستار زیادی توفیق در دین و دنیا باشد. آثار دیگری که در نماز است، عبارت است از: انزجار از غیر خدا، و مداومت بر ذکر حضرت باری در روز و شب تا بنده، سید و مدبر امور و آفریننده خود را فراموش نکند. چون فراموشی یاد حق، سبب در پیش گرفتن راه سرکشی و طغیان است. همچنین حکمت های دیگری که در نماز است، این که بنده به وظایف بندگی خود در پیشگاه

خدای خویش، قیام کند و این عبادت، او را از گناهان باز دارد و مانعی برای او از گرایش به فساد و تبه کاری باشد.»(۱)

امام رضا (علیه السلام) در بیانات ارزشمند، آثار و برکات نماز را بیان فرموده اند و ما در این قسمت به توضیح مختصر هر یک از این اسرار و برکات می پردازیم.

۱ اقرار به ربوبیت

امام رضا (علیه السلام) فرموده است:

«علت وجوب نماز؛ این است که نماز، اقرار به ربوبیت خدا و نفی مثل و نظیر برای او است.»(۲)

اقرار به یکتایی و ربوبیت خدا، اولین خواسته او از آفریدگان خود است؛ خدایی که: «همیشه بوده و همیشه باشد؛ از همه چیزها بی نیاز است و همه چیزها به او نیازمند؛ توانای بر کمال و پادشاه بی زوال؛ قدّوس بی عیب و بی مثال، واحد بی شریک و بی انباز؛ جبّار بی قهر و نقصان و قهار بی عجز و بی اعوان؛ رازق بی بخل و بی ربیب و ملک بی مونس و بی مشیر؛ کریم بی طبع و بی سجیّت و رحیم بی دل و بی رقّت؛ صمد بی نقص و بی آفت؛ واحدی بی تألیف و تجزیت؛ همه خلق را به او آرام و به او نیاز و او از همه بی نیاز. هرچه در فهم آید که پادشاه ما چنان است، نه چنان است؛ بلکه آفریدگار آن است که همه وصف وصّافان و همه مدح مدّاحان و همه ی توحید موحّدان، در کمال و جلال

۱- عیون اخبار الرضا (علیه السلام) ، ج۲، ص۱۰۲؛ وسائل الشیعه، ج۳، ص۴و۵؛ عللالشرایع صدوق، ج۲، ص۳۱۷؛ من لا یحضره الفقیه، ج۱، ص۱۳۹.

۲- «علّه الصّلاه آن ها اقراربالربوبیّه لله عزوجل و خلعالانداد.» وسائل الشیعه، ج۳، ص۵؛ من لایحضره الفقیه، ج۱، ص۷۰.

او ناچیز نماید...» (۱)

حـال نمـازگزار در برابر چنین موجودی، به عبـادت و نیـایش برمی خیزد و به یکتـایی، توانـایی، آفریـدگاری، بی همتـایی، بی نیازی، بزرگواری، دانایی و بنده نوازی او اقرار و اعتراف می کند و تنها او را شایسته و بایسته عبادت و نماز می داند و هرچه غیر او است، به دور می اندازد و هیچ می انگارد.

دربـاره معنای «رب» گفته شـده است: «رب در لغت، به کسـی گفته می شود که مـدیریت و تـدبیر شـیئی به او واگـذار شـده و سرنوشت آن در اختیـار او باشـد. حال اگر ما خـدا را «ربّ» خود می دانیم و بـدان اقرار و اعتراف می کنیم، برای این است که سرنوشت کلیه شوون مـا از وجود و هستی، حیـات و ممات، رزق و روزی، تقنین و تشـریع، مغفرت و آمرزش و... در دست او قرار دارد.»(۲)

۲ خاکساری و تواضع

امام رضا (علیه السـلام) فرموده است: «[علت وجوب نماز] ایسـتادن در پیشگاه خداوند در نهایت خضوع و تواضع و اعتراف به گناهان است.»(۳)

نیایش به درگاه خداوند توانا، راز و نیازی است که بنده خاکسار، با معبود و آفریدگار خود می نماید. در خلوت و تنهایی

۱- مفتاح النجات، ص ۱۰.

۲- تفسیر منشور جاوید، ج ۲، ص ۳۹۳.

۳- «[علّه الصلاه أنّها] قیام بینیدی الجبّار بالذّلّ و المسکنه و الخضوع و الاعتراف» وسائلالشیعه، ج ۳، ص ۵؛ من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۷۰.

با تمرکز فکر، توجه خود را به سوی مبدأ و آفریننده موجودات که ملجأ و پناهگاه دل شکستگان است معطوف می دارد و با خشوع و فروتنی، درماندگی، ناتوانی و پریشان حالی خود را به آستان الوهیتش عرضه می دارد و با ستایش ذات پاک خداوندی اش، کوچکی و حقارت خود را بیان می کند و از پیشگاه مقدسش عفو گناهان خود و شمول رحمت و عنایت بی پایان او را مسألت می نماید.

برای ادای بندگی و عرض حاجت، بهترین چیز این است که شخص با افتادگی و حالت عجز، دست به توسّل به سوی خالق گشوده و نماز به جای آورد.

حلاوت و شیرینی عبادت «تواضع و فروتنی» است و بی آن، نماز لذتی نخواهد داشت.

روزی حضرت رسول به اصحاب خود فرمود: «چرا من حلاوت عبادت را در شما نمی بینم؟» عرض کردند: حلاوت عبادت چه چیز است؟ فرمود: «تواضع»(۱)

و در خبر وارد شده است که خداوند فرمود:

«ای موسی! چون مرا یاد کنی، یاد کن در حالی که اعضای تو مضطرب و لرزان باشد و در وقت یاد من خاشع و با وقار و اطمینان باش... و چون در خصوص من بایستی، بایست مانند بنده ذلیل و مناجات کن با من با دل ترسناک و زبانی راستگو» و در بعضی احادیث قدسی وارد شده است که خدای متعال فرمود: «من نماز هر نماز کننده را قبول نمی کنم؛ بلکه نماز کسی را قبول می کنم که از برای عظمت من فروتنی کند و بر من سرکشی نکند.»(۲)

۱- معراج السعاده، ص۲۲۸.

۲- معراج السعاده، ص۶۶۹.

۳ دوری از گناه

حضـرت رضا (علیه السلام) فرموده است: «[نماز]، موجب مداومت بر یاد خداوند در شب و روز می گردد تا بنده، مولا و خالق خـویش را فراموش نکنـد و به سرکشـی و طغیـان نیفتـد و همین توجه به خداونـد و ایسـتادن در حضور اوست که انسـان را از گناهان دور می سازد و از انواع و اقسام فساد، جلوگیری می کند.»(۱)

«نمـاز» خود مـانعی است بزرگ از این که آدمی به سوی گنـاه برود: «به درستی که نمـاز، انسـان را از فحشا و منکرات باز می دارد و مهم ترین و بزرگ ترین نتیجه ی نماز، یاد خدا است.»(۲)

نمـاز، افراد نمـازگزار را، از بسـیاری از گناهـان بـاز می دارد و در عین حال زمینه را برای ترک گناهان دیگر آماده می سازد؛ زیرا نمازگزار ناچار است که برای صـحّت و قبولی نماز، از بسـیاری از گناهان اجتناب ورزد؛ مثلاً یکی از شرایط نماز، مشروع بودن و مباح بودن تمام وسایلی است که در نماز و مقـدّمات آن به کار می رود؛ مانند: آب وضو و غسل و مکان و لباسـی که در آن نمـاز می گزارد. این موضوع به تدریـج سـبب می شود که گناهـان بسـیاری را ترک کنـد و در کـار و کسب از هر نوع حرام اجتنـاب ورزد؛ زیرا بسـیار مشـکل است که یـک فرد تنهـا در امور مربوط به نمـاز، به حلال بودن آن ها مقیـد شود و در موارد دیگر بی پروا باشد؛ مثلاً امام رضا (علیه السلام) می فرماید: «هر کس نماز بخواند ولی زکاتش

۱- «مع ما فیه من الایجاب و المداومهعلی ذکر الله عزّوجلّ باللیل و النهار لئلّا ینسـی العبد سـیّده و مدبّره وخالقه فیبطر و یطغی و یکون فی ذکره لربّه وقیـامه بین یـدیه زجراً له عن المعاصـی و مانعاً له عنانواع الفساد» وسائل الشـیعه، ج۳، ص۵؛ من لا یحضره الفقیه، ج۱،ص ۷۰.

۲- «انّ الصلاه تنهی عن الفحشا و المنکر ولذکر الله اکبر» عنکبوت(۲۹) آیه ۴۵.

را نپردازد، نمازش قبول نمی شود.»(۱) از طرفی دیگر، خود نماز موجب ریزش گناهان و کمک به قبولی توبه است.

نماز، انسان را از ذلّت عاصی بودن در می آورد و لباس عزّت و بزرگی به او می پوشاند و رحمت و بخشش الهی را شامل حال نمازگزار می گرداند.

حضرت علی (علیه السلام) می فرماید: «نماز، گناهان را همچون برگ های پاییزی می ریزد و غل و زنجیرهای معاصی را از گردن ها می گشاید.»(۲)

پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرموده است: «آنگاه که بنده خدا به نماز می ایستد و همه توجهش به سوی «الله» باشد، در حالی که نمازش پایان می یابد که مانند روز تولّدش، پاک است.»(۳)

۴ تعظیم خداوند

امام رضا (علیه السلام) فرموده است: «[نماز] هر روز پیشانی بر زمین ساییدن، برای تعظیم پروردگار است.»(۴)

انسان، وقتی خود را در برابر عظمت و جلال پروردگار می بیند، ناخودآگاه در برابر او احساس خضوع و فروتنی می کند؛ آن سان که در برابر یک شخصیت مهم، خویشتن را کوچک و ناچیز می شمرد و او را تعظیم و تکریم می کند.

۱- «من صلّی و لم یزکّ، لم تقبلصلاته» عیون اخبار الرضا (علیه السلام) ، ج۱، ص۴۹۳.

۲- «انّها (الصلاه) لتحت الذنوب حتّ الورق و تطلقهااطلاق الرّبق». نهج البلاغه، خطبه ۱۲۵؛ بحارالانوار، ج۸۲، ص۲۲۴.

۳- «اذا قام العبد الی الصلاه، فکان هواهوقلبه الی الله تعالی، انصرف کیوم ولدته امّه» محجهالبیضائ، ج۱، ص۳۸۲.

۴- «[الصلاه] وضع الوجه علی الارض کلّیوم خمس مرّات، اعظاماً لله عزّوجلّ» وسائل الشیعه، ج۳،ص۵؛ من لایحضره الفقیه، ص۷۰.

صاحب جامع السعادات نیز در تعریف و بیان «تعظیم» می نویسد:

«تعظیم حالتی است که از دو معرفت حاصل می شود: یکی معرفت جلال و عظمت خدا؛ زیرا هر که به عظمت او معتقد نیست، نفس را به بزرگداشت او وانمی دارد و این معرفت از اصل و ایمان است. و دیگر معرفت حقارت و ذلّت نفس و دانستن این که بنده مسخّر و در تحت قدرت پروردگار است و از سود و زیان خویش ناتوان و از این دو معرفت فروتنی و تواضع و خشوع حاصل می شود که آن را«تعظیم» می گویند.

و تا هنگامی که معرفت حقارت نفس با معرفت جلاله پروردگار آمیخته نشود، حالت تعظیم و خشوع پدید نمی آید؛ زیرا کسی که خود را از غیر بی نیاز می انگارد و بر خود اعتماد دارد، ممکن است صفات عظمت و جلال و قدرت و کمال را درباره غیر بشناسد ولی نسبت به او خاشع و فروتن نباشد؛ زیرا معرفت نیاز و حقارت نفس، همراه آن نیست.»(۱)

مرحوم آقا میرزا جواد ملکی تبریزی، صاحب کتاب شریف، «اسرار الصلاه» نیز می نویسد: «تعظیم یکی از حالات قلب است که موجب آرامش و خشوع و شکستگی خاطر در مقابل پروردگار و باعث معرفت به عظمت و جلال ذات اقدس می شود... هرگاه انسان به عظمت سلطان خداوندی و سعه ی ملک او و جلالت قدرت او معرفت پیدا کرد و دانست که ممکن [الوجود] در حقیقت هیچ است و او به اندازه ذره ای مالک خیر و شرّ خود نیست و مرگ و حیات و حشر و نشرش به دست

۱- جامع السعادات، ج۳، ص۴۱۴.

دیگری است، عقل و اندیشه اش مقهور این عظمت می گردد و در پیشگاه حضرت حق اظهار ذلّت و خشوع می کند و قلبش از مشاهده عظمت جلال او و جلالت سلطان او، بیش از حد و وصف، خاضع و خاشع می گردد... عظمت سلطان خداوندی، بر آفرینش آسمان ها و زمین ها و جلالت قدرت او، بر آن ها و امساک و نگه داری و رزق و حفظ و تربیت آن هاست...»(۱)

۵ یاد خدا

حضرت رضا (علیه السلام) فرموده است: «[علّت وجوب نماز این است که] آدمی همیشه هوشیار باشد تا گرد و غبار فراموشی حق بر دل او سایه نیفکند و مغرور نگردد.»(۲)

حضرت آیت الله خامنه ای مدظله العالی مینویسد: «یکی از عمل هایی که سرشار از انگیزه ی یاد خدا است و می تواند انسان را یکسره غرق در یاد خدا کند و می تواند بیدار باش و به خویش آورنده باشد و می تواند همچون شاخص و علامتی، رهروان راه خدا را، بر روی خط مستقیم، [نگه] بدارد و از گیجی و گمی حفظ کند و می تواند از لحظه ای غفلت در زندگی آدمی مانع گردد...«نماز» است.»(۳)

و در کتاب «لباب الالباب» مروی است که: «بهشتیان بر هیچ چیز که در دنیا از دستشان رفته است، به قدر آن ساعت که بی خبر

۱- اسرار الصلاه، ص ۳۱۲.

۲- «ان یکون ذاکراً غیر ناس و لا بطر»وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۹؛ من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۷۰.

۳- از ژرفای نماز، ص ۹.

از یاد خدا نشسته بودند، حسرت و تأسف نمی خورند.»(۱)

بهترین وسیله برای «ذکر و یاد خدا» نماز است. انسان تا از بستر خواب سر بر می دارد، به وسیله نماز صبح، به یاد خدا می افتد و تا مدتی در برابر حملات شیطان و غفلت از خدا، در امان است و تا هجوم افکار مادی و نفسانی بر او غلبه می کند، اوقات نماز ظهر و عصر و مغرب با فاصله های کوتاه، فرا می رسد و او را با یاد خدا، بیمه می کند. هنگامی که تاریکی شب به او فرصت می دهد که برخی از مرزها را نادیده بگیرد، وقت نماز عشاء و نمازهای آخر شب می رسد و او را با یاد خدا جلا می دهد و هر آن چه جز یاد خدا را از دلش می زداید. اینان، کسانی اند که خداوند فرموده است: «بزرگ مردانی که هیچ تجارت و کسبی آنان را از یاد خدا و اقامه نماز، بازنمی دارد و چون وقت نماز می رسد، دست از هر کاری می کشند و به نماز می ایستند»(۲)

۶ طلب فزونی در دین و دنیا

حضرت علی بن موسی الرضا فرموده است: «[علت وجوب نماز این است که آدمی] خاضع و فروتن و خواستار افزونی دین و دنیا باشد»(۳)

حضرت امام رضا (علیه السلام) در این فراز از سخنانش، نماز را وسیله ای برای فزونی دین و دنیا می داند و می فرماید که نمازگزار،

۱- «انّ اهل الجنّه لا یتحسّرون علیشیء فاتهم من الدنیا، کتحسّرهم علی ساعه مرّت من غیر ذکرالله.» نشان از بی نشان ها، ص۴۱۳.

۲- «رجال لاتلهیهم تجاره و لا بیع عنذکر الله و اقام الصلاه» نور(۲۴) آیه ۸.

۳- «و یکون خاشعاً متذللاً راغباً طالباًللزیاده فی الدّین و الدّنیا» وسائل الشیعه، ج۳،ص۵؛ من لا یحضره الفقیه، ج۱، ص۷۰.

از طرفی خضوع و فروتنی خود را در نماز نشان می دهد و به بندگی و فقر و نیاز خود در برابر خدا اعتراف می کند و از طرف دیگر از نماز استعانت می جوید و آن را وسیله ای در جهت تعالی دینی و دنیایی خود قرار می دهد.

خداوند متعال می فرماید: «به وسیله ی صبر و نماز در مشکلات کمک جویید، به درستی که نماز، بار گران و سنگینی است مگر بر کسانی که در برابر خدا خاشع و تسلیم اند.»(۱)

در بعد دینی، نماز بهترین وسیله برای کسب کمالات و معنویات است و نردبان صعود و ترقی انسان به سوی عرش رحمان می باشد.

نماز، بر روحانیت و معنویت انسان می افزاید و در پاکی درون و در نورانیت دل تأثیر عمده ای ایفا می کند.

«هر کس که خداوند سبحان را یاد کند[و نماز بخواند]، خداوند دل او را زنده کرده و عقل و خردش را روشن می گرداند.»(۲)

و«نماز هر کس، نوری در دل اوست، پس هر کس بخواهد [می تواند با نماز] قلبش را نورانی کند.»(۳)

و هر اندازه که درون انسان پاک و قلب او نورانی باشد، تدیّن و تعبّد او بیشتر خواهد بود و حرکت او به سوی تقوا و پاکی ها، شتاب خواهد گرفت.

در امور دنیوی، نماز به زندگی انسان برکت می دهد و رزق و روزی شخص را زیاد می کند و به او شخصیت و آبرو می بخشد.

۱- «و استعینوا بالصبر و الصلاه و آن هالکبیره الّا علی الخاشعین» بقره (۲) آیه ۴۵.

۲- «من ذکر الله سبحانه احیی قلبه و نوّر عقله و لبّه»منتخب الغرر، ص۱۹.

۳- «صلاه الرجل نور فی قلبه، فمن شاء منکمفلینوّر قلبه» بحارالانوار، ج۷۸، ص۱۵۹، ح۴۸.

پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرموده است: «نماز باعث برکت در رزق و روزی می شود.»(۱)

و شیخ مفید روایت کرده است که: «نماز شب، روزی را جلب و آن را زیاد می کند.»(۲)

نماز، به زندگی انسان نظم می بخشد و بدین وسیله بر کارها و برنامه های روزانه او تأثیر می گذارد و کیفیت و بازدهی وی را بالا می برد.

اوقات نماز، طوری تنظیم شده است که نمازخوان عملاً به نظم عادت می کند و در تمام شئون زندگی، آن را رعایت می نماید.

و دیگر آن که نماز، در مشکلات و غم های دنیا، بهترین و مطمئن ترین تکیه گاه است و می تواند در ناملایمات زندگی، همانند چراغی فروزان، فرا روی انسان قرار گیرد.

در رحمت به روی خلق باز است

کلید این در زیبا، نماز است

۷ طلب مغفرت

امام رضا (علیه السلام) فرموده است:

«نماز، تقاضای عفو و بخشش از گناهان گذشته است»(۳). گناهانی که از روی نادانی و غفلت از او سر زده است و اینک شرمنده و پریشان، رو به سوی بزرگی می کند و سر به سجده می گذارد و یا دستانش را ملتمسانه به سوی آسمان می گشاید و طلب مغفرت و عفو می نماید.

۱- «الصلاه...برکه فی الرزق» خصال صدوق،ج۲،ص۵۲۲.

۲- «أنّ صلاه الیل تجلب الرزق» ثوابالاعمال، ص۶۹.

۳- عیون اخبار الرضا (علیه السلام) ،ج۲، ص۱۰۲

نمازگزار گناه نمی کنـد و در صورت ارتکاب به گناه، سـریعاً توبه می کنـد و از کرده خود به شدّت اظهار ندامت و پشـیمانی می نماید. آن گاه نماز می گذارد و نماز را شـفیع خود قرار می دهد و با تمسّک به نماز، سـعی در پذیرش توبه خود می کند؛ آن هم توبه ای راستین و نصوح وار...

امـام صـادق (علیه السـلام) فرموده است: «هر بنـده ای که گناهی کرد، پس برخیزد و تحصـیل طهارت کنـد(وضو بگیرد) و دو رکعت نماز بخواند و از خداوند متعال طلب آمرزش نماید، [در این حالت] بر خدا است که توبه او را بپذیرد.»(۱)

۱- وسائل الشیعه، کتاب جهاد، باب۸۶.

ب: اجزای نماز

۱ اذان و اقامه

آوای دلپذیر و روح بخش اذان، دعوت آدمی برای حضور در خلوتگه راز و باریافتن به مقام انس با حضرت محبوب است.

آوای اذان با شور و جذبه دلپذیری که در آن وجود دارد، مسلمانان را به سوی عبادت و پرستش آفریدگار دعوت می کند.

بانگ اذان، بانگ رستاخیز عشق و دلدادگی است.

صدای اذان، دلنوازترین نغمه و فرح بخش ترین سرود آسمانی است.

اذان، اعلام موجودیت و فریاد مسلمانان علیه خدایان خیالی است. این گل نغمه توحیدی، با«الله» نام خدای بزرگ، شروع می شود و به یگانگی آفریدگار جهان و گواهی به رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) اوج می گیرد و با دعوت به رستگاری، فلاح، عمل نیک و نماز پایان می پذیرد.

و چه زیباست این اذان که هر روز با آن چندین بار نام محبوب و مقصود، شنیده می شود. و چه نیکوست این اذان که شیفتگان و شوریدگان شهر عشق را به ضیافتی شاهانه فرا می خواند.

نام معشوق به هر بام و در است

بر دل مدّعیان صد شرر است

بارک الله از این دین حنیف

که از او یار، به من جلوه گر است

همه ذرات به تسبیح وی اند

خیز از جای که وقت سحر است

عارف ربانی، مرحوم ملکی تبریزی می نویسد:

«اذان، دعوت برای ملاقات است و همان گونه که روز قیامت، مردم برای عرضه شدن به خداوند فرا خوانده می شوند، در این دنیا هم مؤذنان، مؤمنان را به مجلس حضور و معراج و زیارت حضرت پروردگار فرا می خوانند. پس اگر معرفت انسان، در این دنیا به حدی باشد که از این ندا لذت ببرد، در آخرت نیز از ملاقات حضرت حق بی بهره نخواهد بود؛ چرا که معرفت در این دنیا به منزله بذر مشاهده در آخرت است. و اگر بر اثر جهل، حال انسان به گونه ای باشد که این ندا او را خوش نیاید، این امر سبب خواهد شد که ندای روز قیامت هم خوشایند او نباشد و اگر در این دنیا در هنگام شنیدن اذان، در زمره غافلان باشد، حالش در آن روز مناسب با این غفلت خواهد بود...

بنابراین کسی که موقع نماز از وظیفه اش نسبت به پروردگار آگاه باشد و بداند که این امر، لطفی عظیم از ناحیه ی حضرت حق نسبت به اوست، بی شک روشنی چشمش در نماز خواهد بود... .

همان گونه که دعوت دوستانش را برای حضور در چنین مجالسی می پذیرد، اذان را هم که به منزله ی منادی ذات اقدس حق است به گوش جان می شنود و پاسخ می گوید...»(۱)

امام هشتم (علیه السلام) برای نمازهای واجب اذان و اقامه می فرمودند و به دوستان و یاران خود نیز سفارش می کردند که در نماز اذان و اقامه بگویند. عباس بن هلال از حضرت رضا (علیه السلام) نقل کرده که فرمود:

«هر کس هنگام نماز اذان و اقامه بگوید، دو صف از فرشتگان

۱- اسرار الصلاه، ص۲۹۳.

با وی نماز خواهند خواند و اگر اقامه بگوید یک فرشته طرف راست و یکی طرف چپ او نماز خواهند خواند. سپس فرمود: شما هر دو صف را مغتنم بدارید (یعنی اذان و اقامه هر دو را بگویید).»(۱)

امام رضا (علیه السلام) از پدران گرامش نقل کرده که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود:

«اذان گویان در روز رستاخیز از دیگران به اندازه یک سر و گردن بلندترند.»(۲)

حضرت رضا (علیه السلام) فرموده است:

مردم به علل زیادی مأمور به اذان شده اند؛ از آن جمله: ۱ تذکر مردم ۲ بیداری غافلان ۳ توجه به نماز ۴ ترغیب مردم به یاد خدا و دعوت به یاد خدا ۵ آشکار کردن ایمان به اسلام و...(۳)

امام رضا (علیه السلام) در حدیث مفصلی درباره حکمت جمله به جمله اذان و اقامه فرموده است:

«اذان به تکبیر آغاز و به تهلیل ختم شده است، زیرا خداوند اراده فرموده اذان به نام و یاد او آغاز شود ... سبب این که پس از تکبیر، شهادتین قرار دارد آن است که نخستین مرحله ی ایمان، توحید و اقرار به یگانگی خداوند و پس از آن اقرار به نبوت حضرت رسول (صلی الله علیه و آله و سلم) است و این که طاعت هر دو، و شناخت هر دو با یکدیگر در ایمان مقرون است. اساس ایمان همان اقرار به شهادتین است.

۱- بحارالانوار، ج ۸۱، ص ۲۴۶، ح ۳۷.
۲- عیون اخبار الرضا (علیه السلام) ،ج ۲، ص ۶۱.
۳- من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۹۵.

پس در اذان دو شهادت (گواهی به یگانگی خدا، و رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)) قرار داده شده است چنان که در سایر حقوق دو شهادت قرار داده شده است (و دو شاهد لازم است). هرگاه بنده ای به یگانگی خداوند متعال و رسالت حضرت رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) اقرار کند، همه ی مراحل ایمان و مراتب آن را پذیرفته است، زیرا اصل ایمان همان شناختن خدا و رسول است.

علت این که در اذان، پس از شهادتین، مردم برای ادای نماز دعوت شده اند، این است که اذان برای دعوت مردم به طرف نماز (در مکان مخصوصی) تشریع شده است و مؤذن با گفتن«حیّ علی الصلاه» (برای به پاداشتن نماز بشتابید) رسیدن وقت نماز را به نمازگزاران اعلام می کند و ندا به نماز یعنی «حیّ علی الصلاه» در وسط اذان مقدر شد، زیرا که مؤذن قبل از «حیّ علی الصلاه» چهار فصل مقدم می دارد. دو تکبیر و دو شهادت و بعد از «حیّ علی الصلاه» چهار فصل دیگر می گوید، زیرا پس از آن دو بار «حی علی الفلاح» می گوید و مردم را به رستگاری و نجات فرا می خواند تا آن ها به عمل نیک و نماز ترغیب شوند. پس از آن دوبار «حی علی خیرالعمل» می گوید تا مردم را به بهترین اعمال که نماز است تشویق کند. پس از آن دوبار، صدای خود را به «الله اکبر» و دوبار به «لا اله الا الله» بلند می کند، و کلام را با ذکر و یاد خدا که معبود یکتاست پایان می دهد همچنان که با یاد همان نام آغاز نمود.

علت این که آخر اذان، گفتن جمله «لا اله اله الله» مقرر شده است نه گفتن «الله اکبر» این است که: چون «لا اله الا الله» نام خدا در آخر جمله قرار گرفته است و خداوند می خواهد در اذان کلام

به اسم او خاتمه یابد، چنان که به اسم وی آغاز شده است.

علت این که در پایان جمله های اذان، به جای «لا اله الا الله»، «سبحان الله» یا «الحمد الله» یا «الله اکبر» نیامده است، (در حالی که نام خداوند در آخر این اذکار نیز می باشد) این است که «لا اله الا الله» اعتراف به یگانگی خدا، و زدودن شرک و نفی همتا و انباز برای خدای متعال است، و این (اقرار) اساس و نخستین شعار ایمان است و از تسبیح گفتن و حمد کردن، مهم تر است.»(۱)

۲ قیام

حضرت امام رضا (علیه السلام) فرموده اند: «پس در مقابل پروردگارت چون بنده ای فراری و گناهکار که در مقابل مولایش قرار گرفته است بایست و قیام کن و قدم هایت را منظم کن و خود را برای اطاعت از مولایت مستعد و مهیّا ساز و به چپ و راست توجّه مکن...»(۲)

خداوند متعال فرموده است: «حَافِظُواْ عَلَى الصَّلَوَاتِ والصَّلاَةِ الْوُسْطَى وَقُومُواْ لِلّهِ قَانِتِينَ»؛ «بر همه نمازها محافظت و مواظبت کنید، به ویژه بر نماز ظهر و عصر و برای خدا، به پا خیزید؛ در حالی که به دعا و عبادت مشغولید».(۳)

۳ تکبیر

حال که آمادگی پیدا کردی و می خواهی نماز را شروع کنی،

۱- عیون اخبار الرضا (علیه السلام) ، ج۲، باب ۳۴، ص۱۰۶؛ من لایحضره الفقیه، ج۱، ص۱۹۵.
۲- «فقف بین یدیه، کالعبد الآبقالمذنب بین یدی مولاه فصیف قدمیک انصب نفسک و لا تلتفتیمیناً و شمالاً...» بحارالانوار، ج۸۴ ص۲۰۴»
۳- بقره (۲) آیه ۲۳۸.

نیت می کنی و دست ها را به علامت تسلیم بالا می بری و تکبیر می گویی.

حضرت امام رضا (علیه السلام) فرموده اند: «در افتتاح نمازت، تکبیر بگو و دست هایت را تا نرمه ی گوش بلند کن»(۱)

همچنین فرموده است:

«حرکت دست ها در موقع تکبیر، در توجه و ابتهال به خدا و حضور قلب مؤثر است.»(۲)

از امام صادق (علیه السلام) نیز نقل شده است که فرمود:

«چون تکبیر می گویی، جز عظمت خدا [همه چیز] را، کوچک شمار؛ زیرا، خدای تعالی هنگامی که بنده ای را تکبیر گویان می بیند، در حالی که در قلبش چیزی هست که با حقیقت تکبیر مخالف است، می فرماید: ای دروغ گو! مرا فریب می دهی، قسم به عزت و جلالم از حلاوت و شیرینی یادم، محرومت می کنم و از نزدیکی ام و سرور مناجاتم، منعت نمایم.»(۳)

۴ قرائت

به هنگام خلوت با محبوب مطلق هستی و نماز و نیایش، چگونه خالق و قادر متعال هستی را ستایش کنیم؟ از او چه بخواهیم و از چه خطراتی به او پناه بریم؟ معلم قلم و بیان و قادر متعال و مهربان از سر لطف، چگونگی گفتگو و نیایش با خود را به بندگانش ابلاغ کرده و مخزن اسرار الهی و امام رئوف و مهربان پرده از اسرار آن برداشته است:

۱- «فاذا، افتتحت الصلاه، فکبّر و ارفعیدیک بحذاء اذنیک...» بحارالانوار، ج۸۴، ص۲۰۴.

۲- وسائل الشیعه، ج۴، ص۷۲۷.

۳- مصباح الشریعه، ص۸۸.

«همانا مردم به قرائت قرآن در نماز امر شـده انـد تا قرآن مهجور و ضایع نگردد و نیز به سـبب این که قرآن محفوظ باشـد و از بین نرود و فراموش نشود؛ و همانا واجب شـده که سوره حمـد خوانـده شود نه سوره های دیگر؛ زیرا هیـچ سوره ای نیست که مانند سوره حمد، جامع تمام خیرات و حکمت ها باشد.»(۱)

حضـرت امـام رضـا (علیه السـلام) روایت کرده است که: «خداونـد متعـال می فرمایـد: من فاتحه الکتاب را بین خود و بنـده ام تقسیم کرده ام؛ نیمی از آن من و نیمی از آن اوست و اینک بنده من هر چه می خواهد از من سؤال کند.

هر گـاه بنـده ای بگویـد: «بسم الله الرحمن الرحیم»، خداونـد می فرمایـد: بنـده من به نـام من آغـاز کرد و بر من لازم است که کارهـای او را به انجـام برسـانم و به زنـدگی او برکت دهم، هرگـاه بگویـد: «الحمـدلله رب العـالمین» خداونـد جـل جلاله می فرماید: بنده ام حمد مرا به جای آورد و دانست نعمت هایی که در نزد او می باشد، از من است و بلاها را من از وی دفع کرده ام؛ اینک گواه باشید که من علاوه بر آن ها، نعمت های آخرت را نیز به او می دهم و او را از گرفتاری های آخرت نجات می دهم؛ همان گونه که از بلاهای دنیا نجاتش داده ام.

هرگاه بگوید: «الرحمن الرحیم» خداوند می فرماید: بنده ام گواهی داد که من رحمان و رحیم می باشم، اکنون او را از رحمت و بخشـش های خود بهره مند می سازم. هرگاه بگوید: «مالک یوم الدین» خداوند می فرماید: من شـما را گواه می گیرم همان گونه که او اعتراف کرد من مالک روز قیامت هستم، حساب آن روز را

۱- وسائل الشیعه، ج۶، ص۳۸،ح ۷۲۸۲.

برایش آسان خواهم کرد و از گناهانش خواهم گذشت.

هنگامی که بنده ای بگوید: «ایاك نعبد» خداوند متعال می فرماید: بنده ام راست می گوید و او فقط مرا عبادت می کند، اینک شما شاهد باشید که من پاداش عبادت های او را می دهم تا کسانی که غیر از مرا عبادت کرده اند، به حال او غبطه بخورند و آرزوی مقام او را داشته باشند.

هنگامی که بنده ای بگوید: «و ایاک نستعین» خداوند می فرماید: بنده ام از من یاری می خواهد و به من پناه آورده است، من در کارها او را کمك خواهم کرد و در سختی ها به یاری او خواهم شتافت و در مشکلات دست او را خواهم گرفت.

هر گاه بنده ای بگوید: اهدنا الصراط المستقیم...» خداوند می فرماید: بنده ام هرچه دلش می خواهد سؤال کند. من خواسته های او را اجابت می کنم و به آرزوهایش می رسانم و از هرچه می ترسد، او را ایمن می سازم و آرامش و سکون به او می دهم.»(۱)

جهر و اخفات

از امام رضا (علیه السلام) درباره حکمت های جهر و اخفات چنین نقل شده است:

«علت این که بعضی نمازها باید بلند و بعضی آهسته خوانده شود این است که نمازهایی که باید بلند خوانده شوند، (صبح، مغرب، عشاء) در اوقاتی است که هوا نسبتاً تاریک و واجب است بلند خوانده شوند که اگر کسی از آن جا عبور می کند،

۱- من لا یحضره الفقیه، ج۱، ص۲۰۳ و۲۰۴.

بداند که جماعتی در آن جا نماز می خوانند تا اگر خواست به آن ها ملحق شود؛ چون تاریکی مانع دیدن اوست و بلند خواندن باعث می شود او صدای نمازگزاران را بشنود. ولی دو نمازی که آهسته خوانده می شود (ظهر و عصر) به دلیل این که روز است و عملشان کاملاً قابل رویت است، احتیاج به بلند خواندن ندارد.»(۱)

۵ رکوع

«رکوع، نمایشگر و نمودار خضوع انسان است در برابر قدرتی که او را قوی تر از خود می داند و مسلمان چون خدا را برترین قدرت ها می داند، در برابر او رکوع می کند و چون هیچ موجودی جز خدا را برتر و فراتر از انسانیت نمی داند، در برابر هیچ کس و هیچ چیز دیگر سر خم نمی کند. در همان حال[که] تن را، در برابر خدا به حالتی خاضعانه درآورده است، زبان را نیز به حمد و ستایش و بیان عظمت او می گشاید.»(۲)

حضرت امام رضا (علیه السلام) در سفارشی گوهربار، خطاب به نمازگزاران می فرماید:

«بدان به راستی که تو در برابر خداوند جبّار هستی. بنابراین به چیزی از اشیاء به بازی مشغول مشو... هرگاه به رکوع رفتی، پس دست هایت را بر زانوهایت بگذار و انگشتانت را بگشا و دست هایت را جمع کن.»(۳)

حسن بن علی بن فضال گوید: امام رضا (علیه السلام) را هنگامی که عازم عمره

۱- وسائل الشیعه، ج۶، ص۸۲، ح۷۷۴۰۶.

۲- از ژرفای نماز، ص۵.

۳- «و اعلم انّک بین یدیالجبّار و لا تعبث بشیء من الاشیاء و... فاذا رکعت، فالقم رکبتیک براحتیک و تفرج بین اصابعک و اقبض علیهما...»بحارالانوار، ج۸، ص۲۰۴.

بود و برای وداع کنار قبر رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) آمده بود، مشاهده کردم و بعد از مغرب، بالای سر مبارک رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) قرار گرفت و ابتدا به آن جناب سلام کرد و بعد خود را به قبر چسباند. بعد از این از جای خود برخاست و در کنار قبر به نماز ایستاد و بعد شانه چپ خود را به قبر چسباند. سپس در کنار یکی از ستون ها قرار گرفت و شش رکعت نماز خواند و رکوع و سجده خود را به اندازه سه تسبیح طول داد و بعد سر به سجده گذاشت و طول داد به اندازه ای که از عرقش، ریگ ها مرطوب شدند.(۱)

حضرت امام خمینی قدس سره در اسرار رکوع نوشته است: «سالک در جمیع منزل رکوع قلبش خائف و خاشع و در تحت سلطان کبریا و عظمت به جمیع اجزا و اعضای باطنه و ظاهره خفض جناح کند و از حرمان مقام راکعین و محرومیت این منزل شریف، بیمناک باشد»(۲)

۶ سجود

حضرت امام رضا (علیه السلام) فرموده اند: «جزء رسم و راه امامان شما، دوری از گناه، عفت و پاکدامنی، راستگویی، مصلحت اندیشی و سجده های طولانی است.»

سجده، بالاترین مرحله خضوع، والاترین درجه خشوع، بهترین وسیله تقرب، شایسته ترین حالت برای استجابت و نیکوترین منزل برای دریافت انوار درخشان حق تعالی و رسیدن به مقام قرب الهی است.

حضرت آیت الله خامنه ای مد ظله العالی بیان زیبا و جالبی درباره سجود دارند. ایشان می نویسند:

«جبهه بر خاک نهادن، نشانه بالاترین حد خضوع انسان است

۱- ادعیه و زیارات، ص ۱۳۱ و ۱۳۲.

۲- سرالصلوه، ص ۹۸.

و نمازگزار، این حد نصاب تواضع را شایسته ی خدا می داند؛ زیرا کرنش در برابر نیکی و زیبایی مطلق است و آن را در برابر هر کس یا هر چیز غیر خدا، حرام و ناروا می شمارد؛ زیرا گوهر انسانیت که ارزنده ترین متاع بازار هستی است با این کار فرو می شکند و انسان، خوار و پست می گردد.

در همان حال که سر بر خاک نهاده و خود را غرق در عظمت خدا می بیند، زبانش نیز با این حالت هماهنگی می کند و با ذکری که می گوید، در حقیقت عمل خویش را تفسیر می کند: «سبحان ربی الاعلی و بحمده»؛ پاک و پیراسته است خداوندگار من که برترین است و من ستایشگر اویم؛ خداوندگار برترین، خداوندگار پیراسته و پاک. و تنها در برابر چنین موجودی است که سزاوار است انسان، زبان به ستایش بگشاید و جبهه بر خاک بسپارد.»(۱)

و شاء در روایتی از امام رضا (علیه السلام) نقل می کند که آن حضرت فرمودند:

«نزدیک ترین حالات بندگان، هنگامی است که بنده در حال سجده باشد و از این جهت خداوند در قرآن فرموده است: (سجده کن و خود را نزدیک گردان)»(۲)

حضرت امام رضا (علیه السلام) فرموده اند: «وقتی بنده ای در حال سجده به خواب رود، خداوند به ملائکه می فرماید: نگاه کنید این بنده ام را که روح او را گرفته ام، در حالی که مشغول عبادت و اطاعت بود.»(۳)

۱- از ژرفای نماز، ص۵.

۲- «أقرب ما یکون الی الله و هوساجد...» ادعیه و زیارت حضرت رضا (علیه السلام) ص۸۴؛(سفینه البحار، ج۱، ماده سجده)

۳- «اذا نام العبد و هو ساجد قال الله عزوجلللملائکه: انظروا الی عبدی قبضت روحه و هو فی طاعتی.»بحارالانوار، ج ۸۵، ص۱۶۲.

گفتار سوم: نماز جماعت، جمعه و عید

اشاره

نماز جماعت

اشاره

نماز جماعت، باشکوه ترین، بهترین، بیشترین، پاک ترین و معنوی ترین اجتماعات دنیا است.

حضرت رضا (علیه السلام) فرموده است: «نماز جماعت، با فضیلت ترین [عبادات] است.»(۱)

«فضیلت هر یک رکعت نماز جماعت برابر با دو هزار رکعت نماز فرادا است.»(۲)

اسرار نماز جماعت

پیرامون اسرار و فلسفه های نماز جماعت، حضرت رضا (علیه السلام) فرموده اند:

«نماز جماعت واجب شده تا اخلاص، توحید، عبادت و اسلام اظهار شود و همین اظهار بر اهل عالم حجّت را تمام کند و بر منافق و کسی که نماز را سبک می شمارد، اتمام حجّت گردد... و نیز شهادت مردم به عدالت یکدیگر جایز و ممکن باشد. همچنین جماعت که تعاون، بر و احسان است بازدارنده از گناهان می باشد.»(۳)

دو نکته درباره امام جماعت

حضرت امام رضا (علیه السلام) فرموده است:

«اگر خواستی پشت امام جماعت قرار گیری، تا وقتی که صف

۱- جامع احادیث، ج۴، ص ۴۵۰.

۲- بحارالانوار، ج۸۸، ص ۴.

۳- وسائل الشیعه، ج۵، ص ۳۷۲؛ بحارالانوار،ج۸۸، ص ۱۲.

اول خالی است، در صف دوم قرار نگیر.»(۱)

۲ در جای دیگر فرموده است:

«هرگاه امام جماعت شدی، نماز را طولانی نکن و سبک تر بخوان، به خاطر رعایت حال مأمومین؛ ولی اگر تنها نماز می خوانی، هر چه خواستی سنگین تر و طولانی تر بخوان؛ زیرا این کار عبادت واقعی است.»(۲)

۱- مستدرك الوسائل، ج۱، ص۴۹۰.

۲- بحارالانوار، ج۸۸، ص۱۰۳.

نماز جمعه

یکی از اجتماعات خیلی با ارزش و مهم مسلمانان، نماز جمعه است.

امام علی بن موسی الرضا (علیه السلام) در ترسیم جایگاه ویژه نماز می فرمایند:

«در نماز جمعه، خطبه به این جهت قرار داده شده که چون نماز جمعه یک حضور همگانی است، خداوند چنین اراده کرده تا به حاکم مسلمانان امکان دهد که مردم را نصیحت کند و به اطاعت ترغیب نماید و از معصیت بترساند و آنان را بر آن چه مصلحت دین و دنیایشان است آگاه سازد و آن چه را در نقاط دیگر اتفاق می افتد و در سرنوشت آنان موثر است به اطلاع آن ها برساند، همچنین دو خطبه قرار داده شده است تا در یکی حمد و ثنای خداوند انجام شود و در دیگری آن چه از فرمان و نهی خداوند که به صلاح جامعه است، اعلام شود.»

نماز عید

مأمون از حضرت درخواست کرد که با مردم نماز عید بگذارد تا با ایراد سخنرانی وی، آرامشی به قلبشان فرو آید و با پی بردن به فضایل امام، اطمینان عمیقی نسبت به حکومت بیابند.

امام (علیه السلام) به مجرد دریافت این پیام، شخصی را نزد مامون روانه ساخت تا به او بگوید مگر یکی از شروط ما آن نبود که من دخالتی در امر حکومت نداشته باشم. بنابراین مرا از نماز معاف بدار. مامون پاسخ داد که من می خواهم تا در دل مردم و لشکریان، امر ولایت عهدی رسوخ یابد تا احساس اطمینان کنند و بدانند خدا چگونه تو را بدان برتری بخشیده است.

امام رضا (علیه السلام) دوباره از مامون خواست تا او را از آن نماز معاف بدارد و در صورت اصرار، شرط کرد که من به نماز آن چنان خواهم رفت که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) و امیرالمؤمنین (علیه السلام) با مردم به نماز می رفت.

مامون پاسخ داد که هرگونه می خواهی برو.

از سوی دیگر، مامون به فرماندهان و همه مردم دستور داد که قبل از طلوع آفتاب بر در منزل امام اجتماع کنند. از این رو، تمام کوچه ها و خیابان ها مملو از جمعیت شد. از خرد و کلان، از زن و مرد همه با اشتیاق گرد آمدند و همه فرماندهان نیز سوار بر مرکب های خویش در اطراف خانه ی امام به انتظار طلوع آفتاب ایستادند.

همین که آفتاب سر زد، امام (علیه السلام) از جا برخاست، خود را شست و شو داد و عمامه ای سفید بر سر نهاد. آن گاه با معطر

ساختن خویش با گام هایی استوار به راه افتاد. امام از کارکنان منزل خویش نیز خواسته بود که همین گونه به راه بیفتند.

همه در حالی که امام را حلقه وار در برگرفته بودند، از منزل خارج شدند. امام سر به آسمان برداشت و با صدایی چنان نافذ چهار بار تکبیر گفت که گویی آسمان و در و دیوار شهر تکبیرش را پاسخ می گفتند. فرماندهان ارتش و مردم که منتظر ایستاده و خود را به بهترین وجهی آراسته بودند. امام با اطرافیانش پابرهنه از منزل خارج شد، لحظه ای دم در توقف کرد و این کلمه ها را بر زبان جاری ساخت:

«الله اکبر، الله اکبر علی ماهدانا، الله اکبر علی ما رزقنا من بهیمه الانعام، و الحمدلله علی ما اولینا».

امام این ها را با صدای بلند می خواند و مردم نیز هم صدا با او تکبیر می گفتند. شهر مرو، یک پارچه تکبیر شده بود و مردم تحت تاثیر آن شرایط به گریه افتاده، شهر را زیر پای خود به لرزه انداخته بودند.

چون فرماندهان ارتش و نظامیان با آن صحنه مواجه شدند همه بی اختیار از مرکب ها به زیر آمدند و کفش های خویش را هم از پایشان درآوردند.

امام به سوی مصلی نماز حرکت کرد ولی هر ده قدمی که به پیش می رفت، می ایستاد و چهار بار تکبیر می گفت. گویی که در و دیوار شهر و آسمان همه پاسخش می گفتند.

گزارش این صحنه های مهیج به گوش مامون می رسید و وزیرش «فضل بن سهل» به او پند می داد که اگر امام به همین شیوه راه خود را تا جایگاه نماز ادامه دهد، مردم چنان شیفته اش

خواهند شد که دیگر ما تامین جانی نخواهیم داشت. بنابراین، بهتر است او را از نیمه راه برگردانیم.

مأمون نیز همین گونه با امام رفتار کرد. یعنی او را از رسیدن به جایگاه نماز بازداشت و پیش نماز همیشگی را مامور گذاردن نماز عید کرد.

در آن روز وضع مردم بسیار آشفته شد و صفوفشان در نماز دیگر به نظم نپیوست.

در این جا ذکر دو نکته لازم است:

۱ تأثیر عاطفی ماجرا و پایگاه مردمی امام

اکنون که دوازده قرن از آن ماجرا می گذرد، هنوز که این داستان را می خوانیم چنان دچار احساسات می شویم که گاهی وصف ناپذیر است.حال ببینید آنان که در آن روز خود شاهد ماجرا بودند چگونه تحت تأثیر قرار گرفتند.

دیگر نیاز به ذکر این نکته نیست که ماجرای نماز عید درست مانند ماجرای نیشابور حاکی از گسترش موقعیت امام در دل های مردم بود.

۲ چرا مأمون خود را به مخاطره افکند؟

اگر هدف مامون از آن اصراری که نسبت به رفتن امام به نماز می ورزید این بود که می خواست اهل خراسان و نظامیان را فریب دهد و اطمینان آنان را نسبت به حکومت خود جلب کند، بدیهی است که بازگرداندن امام از نماز پس از پدید آمدن آن شرایط هیجان انگیز و آن جمعیت سیل آسا، برای مامون مخاطراتی دربرداشت. چه این که معنایش به خشم آوردن هزاران هزار مردمی بود که در اوج هیجان و احساسات قرار گرفته بودند.

بنابراین، اگر مامون از مجرد نمازگزاردن امام (علیه السلام) بیم داشت، پس به چه دلیل آن همه اصرار کرده بود که نماز عید را حتماً او برگزار کند؟ و اگر نمی ترسید، پس چرا از طوفان احساساتی که در میان مردم برانگیخت، وحشت زده شد؟

در ظاهر، دلیل وحشت مامون چیزی بالاتر از همه این ها بود. او ناگهان متوجه شد که نکند وقتی امام بر منبر رود با توجه به آن آمادگی که در نهاد و احساس مردم ایجاد کرده بود، خطبه ای بخواند که مانند جریان نیشابور اعتقاد به خویشتن را از شروط یکتاپرستی معرفی کند. در آن روز امام درست در زیّ رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) و امیرالمؤمنین حضرت علی (علیه السلام) در برابر مردم ظاهر شده و به گونه ای مردم را تحت تأثیر قرار داده بود که به قول «فضل بن سهل» جان مامون و اطرافیانش را سخت به خطر می انداخت. آنان می ترسیدند که امام (علیه السلام) در آن روز مرو را که پایتخت عباسیان بود، به مرکز ضد عباسی تبدیل کند. بنابراین، مامون ترجیح داد که امام را از نماز بازگرداند و تمام مخاطره های این کار را نیز بپذیرد. چه هر چه بود زیانش به مراتب برایش کمتر بود.

منابع:

۱ قرآن کریم.

۲ آملی، عبدالواحد، مترجم محمدعلی انصاری قمی، غررالحکم و دررالکلم، چ تهران.

۳ خامنه ای، سیدعلی، از ژرفای نماز.

۴ خمینی، سید روح الله، سرالصلواه، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سره

۵ دیلمی، حسن بن محمد، ارشاد القلوب، مرکز نشر کتاب.

۶ الامام الرضا (علیه السلام) ، علی ابن موسی، فقه الرضا، مشهد، المؤتمر العالمی للامام الرضا (علیه السلام)

۷ رضی، محمد ابن احمد (ذی المناقب) ترجمه فیض الاسلام، نهج البلاغه، تهران ۱۳۹۲ (ه.ق)

۸ سبحانی، جعفر، منشور جاوید، قم، مؤسسه امام صادق (علیه السلام) .

۹ شیبانی، ابی عبدالله، مسند الامام احمد بن حنبل، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

۱۰ صدوق، محمد بن علی بن الحسین بن بابویه، ثواب الأعمال، تهران ۱۵۴.

۱۱ صدوق، محمد بن علی بن الحسین بن بابویه، کتاب الخصال، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۰۳.

۱۲ صدوق، محمد بن علی بن الحسین بن بابویه، عیون اخبار الرضا (علیه السلام) ، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۰ ش.

۱۳ صدوق، محمد بن علی بن الحسین بن بابویه، من لایحضره الفقیه، بیروت، دارالصعب.

۱۴ طبرسی، فضل ابن حسن، مجمع البیان، کتابفروشی اسلامیه.

۱۵ عاملی، محمد ابن الحسن، وسائل الشیعه، بیروت، دار احیاء التراث العربی، الطبقه الخامس، ۱۴۰۳ (ه.ق)

۱۶ عطاردی، عزیزالله، مسند الامام الرضا (علیه السلام) ، مؤسسه طبع و نشر آستان قدس رضوی، ۱۴۰۶ (ه.ق)

۱۷ غزالی، ابی حامد محمد بن محمد، احیاء علوم الدین، بیروت، دارالکتب العلمیه.

۱۸ فیض کاشانی، محسن، المحجه البیضاء، خ تهذیب الإحیاء، قم، انتشارات اسلامی.

۱۹ قمی، شیخ عباس، مفاتیح الجنان.

۲۰ قمی، شیخ عباس، منتهی الآمال.

۲۱ کلینی، محمد بن یعقوب، الاصول من الکافی، بیروت، دارصعب.

۲۲ ملکی تبریزی، میرزا جواد، ترجمه رضا رجب زاده، اسرار الصلاه، تهران، انتشارات پیام آزادی.

۲۳ مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، بیروت، مؤسسه الوفأ، ۱۴۰۳ (ه.ق).

۲۴ نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، بیروت، مؤسسه آل البیت لاحیأ التراث، ۱۴۰۸ (ه.ق).

۲۵ نراقی، ملا احمد، معراج السعاده، تهران، انتشارات علمیه اسلامیه.

۲۶ نراقی، محمدمهدی، جامع السعادات، قم، انتشارات دارالتفسیر.

۲۷ هندی، علی ابن حسام الدین، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال.

ص: ۸۰

مجموعه کتاب های ره توشه:

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ یَسْتَوِی الَّذِینَ یَعْلَمُونَ وَالَّذِینَ لَا یَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹